

نمره - ۲۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ اوت) طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]
جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان راپورت می دهد که دو لنگه از محمولات کمپانی ذیگلر در سرقت دیگری که در راه بختیاری واقع شده از میان رفته است. او بعلاوه راپورت می دهد که کاروانسرای سرخون که در راه بختیاری است بکلی غارت شده و تمام مال التجاره ای که در آنجا انبار شده بود به انضمام مقداری متعلق به کمپانی لنچ به سرقت رفته است.

نمره - ۲۸۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ اوت) سنت پترزبورغ ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]
حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۲ اوت است که ذیلا نگاشته می شود:
در موقعی که روز ۱۵ اوت از مسیو نراتف ملاقات نمودم که جوابیه دولت ایران را در باب تعیین ماژور استوکس به اطلاع او برسانم آن جناب را برخلاف معمول مشوش یافتم. راپورتی از مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] در باب این مسئله برای او رسیده بود. پس از آنکه با کمال تأکید در خصوص اهمیت این قضیه که بدبختانه بظهور رسیده شرحی مذکور داشت جناب معظم الیه [= معظم له] بیان نمود به چه طریق تعیین ماژور استوکس با پیشرفت مؤثر معاهده انگلیس و روس متضاد خواهد بود؟ و استفسار نمود هرگاه يك نفر صاحب منصب روسی به این عهده منصوب و به او حق تشکیل و کنترل قوه ژاندارمری در جنوب ایران داده می شد در انگلستان چه می گفتند؟ من در جواب اظهار داشتم که جناب معظم الیه [= معظم له] گویا فراموش کرده اند اظهارات مختلفه را که شما در پارلمان نموده بودید و در ضمن یکی از آنها در باب همین مسئله مخصوص و وعده تقویت به روس در موضوع ژاندارمری شمال و اظهارات سختی که به دولت ایران نموده اید متذکر شده اید و بعلاوه استعفای ماژور استوکس هنوز مورد قبول واقع نگردیده [و] قبول نخواهد گردید و منتظر پیش آمد کار خواهیم بود. بنابراین نمی دانستم شما دیگر چه می توانستید بکنید و نیز نمی توانستم باور کنم که پس از آنچه شما گفته و به انجام رسانیده اید بهیچوجه لطمه به معاهده انگلیس و روس وارد آمده باشد.
مسیو نراتف اظهار داشت که مسئله تعیین ماژور استوکس آن قدر مهم است که او نمی تواند شخصاً مسئولیت تصفیة آن را به عهده گیرد و بایستی در این باب به شورای وزراء رجوع نماید. قبل از آنکه این کار را صورت بدهد از شما استدعای آخری خود را خواهد نمود که حالا من به او اظهار داشته ام که استعفای ماژور استوکس قبول نگردیده است. بنظر او می رسد برای دولت اعلیحضرتی امکان خواهد داشت که

یا او را موقتاً به لندن احضار نمایند و یا آنکه يك شغلی در هندوستان به وی بدهند.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ اوت)
 طهران ۱۶ اوت ۱۹۱۱ [۲۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۹]

در تعقیب تلگراف ۱۲ اوت خود افتخار دارم راپورت دهم که عساکر سالارالدوله
 همدان را بدون اینکه کسی با آنها مخالفت کند قبضه نموده اند. شاهزاده معظم‌الیه [= معظم‌له] خود در کرمانشاه توقف خواهد نمود.

نمره - ۲۸۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۶ اوت ۱۹۱۱ [۲۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۹]

تعیین ماژور استوکس - راجع به تلگراف پانزدهم اوت شما مسیو نراتوف طوری
 صحبت می‌کند مثل اینکه تعیین او به انجام رسیده و مثل اینکه ما نه فقط در مورد
 آن ساکت بوده بلکه خودمان اسباب تعیین او شده باشیم. این طور نیست من به دولت
 ایران اظهار داشته‌ام نبایستی در تعیین استوکس اصرار نمایند استوکس بکلی مستقلاً
 و بدون مشورت با کسی عمل نموده و تعیین او بدون رجوع با ما شده.

مسیو نراتوف بایستی این مسئله را خوب درک بنماید من حاضریم اظهار خود را
 تکرار نموده دولت ایران را متنبه سازم که نظر به حقانیت اعتراض دولت روس
 استعفای استوکس را نمی‌توان قبول کرد و اصرار بنمایم که شخص بیطرفی بجای او
 تعیین شود.

من هیچوقت شرط نکرده‌ام که قزاقان ایرانی که در تحت صاحب‌منصبان روسی در
 طهران تعلیم یافته‌اند به جنوب ایران اعزام نشوند و گمان می‌کنم عقاید دولت روس
 و کفیل وزارت امور خارجه آن دولت زیاده از اندازه از بساطت تعیین استوکس
 بهیجان آمده‌اند.

افسوس می‌خورم که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] ظاهراً آنقدر کم‌ملتفت شده‌اند
 که من اعتراض دولت روس را قبول کرده و هر قدر توانسته‌ام برای منع تعیین وی
 سعی کرده‌ام چرا که به بودن توافق آراء و اتفاق در عمل مابین دولتین اهمیت وافز
 می‌دهم.

مسیو نراتوف بایستی به عموم ملت روس توضیح نمایند که فقط به واسطه اقدامات
 ما است که تعیین وی انجام پذیرفته و در این موقع همان کاری را که من اینجانموده
 و عقاید عامه در مقابل حضور قشون روس در شمال ایران و اقدامات کلنل لیاخف

در سالهای گذشته نگذاشته ام بهیچان آید ایشان هم در آن مملکت بنمایند. من تاکنون چندین دفعه با این اوضاع مصادف شده و در مقام مدافعه آن برآمده ام و هرگاه دولت روس بطوری که در اینگونه موارد سختی می کنند من هم می کردم مناسبات حسنه مابین بریطانیای عظمی و دولت روس مدتی قبل به انتهای رسیده بود.

نمره - ۲۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)

طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

راجع به تلگراف ۱۲ مه من:

تلگرافی از کفیل قنصل انگلیس مقیم شیراز رسیده پیشنهاد می کند که به همین زودیها لازم می شود که بر عده مستحفظین قنصلگری اضافه شود که او بتواند خانه های اروپاییان مقیم شیراز را محافظت نماید بدون آن که از عده مستحفظین حالیه کسر شود. مستر ناکس بدلائیل ذیل عقیده خود را تقویت می نماید:

عده ایلیاتیها که روز بروز در شهر زیاد می شوند و نزدیک بودن ورود صولت الدوله و عدم احتمال اینکه نظام السلطنه مایل یا قادر بر جلوگیری از این عناصر آشوب و اغتشاش باشد تزئید مستحفظین را لازم می دارد. بعلاوه خانه هایی که در حدود قنصلخانه واقع می باشند دو خانه دیگر هم در بیرون شهر و چهار اداره تجارته هم در خود شیراز می باشد. از قراری که فهمیده ام این جا یکنفر هم تبعه آلمان هست که یحتمل از قنصلخانه اعلیحضرتی درخواست محافظت می نماید.

برای محافظت و قراولی این خانه ها يك دسته قشون امدادی زیاد یحتمل قریب یکصد و پنجاه نفر لازم خواهد بود و جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر اشعار می دارد اعزام چنین قوه ای مثل این است که اقدامی بر ضد فرمانفرما و صولت الدوله به عمل آمده باشد.

محتمل نمی نماید که اقدام یا حمله عمدی بر ضد اروپاییان بشود ولی البته در هر ساعت ممکن است غارت و چپاول واقع شود و فرقی مابین اتباع خارجه و دیگران گذارده نشود. با وجود این گمان می کنم احتمال وقوع این قبیل اتفاقات هم چنین اقدام مهمی مثل اعزام يك قوه به این بزرگی را که لازم شمرده می شود تضمین نماید.

از طرف دیگر از زمان ورود قوام الملک به قنصلخانه لازم بوده است که مستحفظین زیاده بر آنچه وظیفه آنها است مشغول قراولی و حفاظت باشند و از قراری که فهمیده ام و نسبت به قلت عده ای که فعلا در شیراز می باشند کار زیادتر به آنها رجوع شده و از آنجایی که هیچ احتمال نمی رود قوام الملک از قنصلخانه خارج شود تصور می کنم اعزام يك دسته قشون امدادی به شیراز مطلوب می باشد.

با این اوضاع توصیه می نمایم که برای رفع این اشکال خوب است از حکومت

هندوستان درخواست شود بیست و دو نفر قشون امدادی که کاری به آنها رجوع نباشد به شیراز اعزام نمایند. عده‌ای که حالیه اینجا هستند چهل و دو نفراند و شانزده نفر آنها شب و روز بایستی کشیک بکشند.

نمره - ۲۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)
 طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه - لطف نموده رجوع به قسمت آخر تلگراف ۱۲ اوت من فرمایید.

وزیر امور خارجه که دیروز از ایشان ملاقات نمودم مجدداً اشاره به ارائه طریق خود برای فیصله امر استوکس نمود. من جواباً جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را مستحضر داشتم که تصور نمی‌کنم پیشنهاد ایشان حل این مسئله را بنماید و علاوه نمودم که بهتر این است که دولت ایران یا تعیین استوکس را بکلی موقوف بدارند و یا آنکه آنرا به نقاط جنوبی محدود سازند.

نمره - ۲۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)
 طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]

سه نفر صاحب‌منصب سوئدی برای ژاندارمری امروز صبح آمده از من و سفیر روس ملاقات نموده و بما اثرات خوب کردند.

نمره - ۲۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ اوت)
 طهران ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع

راپورت داده شده است که محمدعلی میرزا از بارفروش حرکت نموده و حالا در ناحیه سوادکوه قریب سی‌میلی شرقی فیروزکوه متوقف است. اخبار ورود شعاع‌السلطنه هم در میان طوایف شاهسون داده شده است. هساگر شاه مخلوع سخنان را می‌چاپند.

نمره - ۲۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]
دولت روس پیشنهاد وزیر امور خارجه را در باب استخدام ماژور استوکس نمی‌توانند
قبول کنند.

دولت روس پروتست جدید به دولت ایران خواهند کرد و پس از آن شما هم
اظهارات سابق خود را به دولت ایران تکرار نموده و اظهار دارید که دولت اعلیحضرتی
اعتراضات دولت روس را بر علیه [= علیه] تعیین ماژور استوکس مستحکم و متقن
دانسته و بنابراین استعفای وی را نمی‌توانند قبول کنند و به دولت ایران اصرار
می‌نمایند که یکی از اتباع دولت بیطرفی را استخدام نمایند.

نمره - ۲۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۷ اوت سر جارج بارکلی
اوضاع شیراز - دولت روس را از بابت تزئید عده مستحفظین قنصلخانه شیراز
که پیشنهاد شده است مستحضر داشته و جهت این اقدام را برای آن دولت توضیح
نمائید.

نمره - ۲۹۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ اوت)
سنت پترزبورغ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]
تزئید مستحفظین قنصلخانه شیراز که پیشنهاد شده:
راجع به تلگراف ۱۸ اوت شما مسیو نراتوف اعتراضی ندارد.

نمره - ۲۹۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ اوت)
سنت پترزبورغ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]
تعیین ماژور استوکس - حاوی مضمون ملخص مکتوب مورخه ۲۲ اوت می‌باشد:
چون هنگام وصول تلگراف ۱۶ شهر جاری شما مسیو نراتف مشغول بود و
نمی‌توانست مرا ملاقات نماید مطالب مهمه آن تلگراف را در جزو کاغذ شخصی در
روز ۱۷ شهر جاری برای جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] نوشتم. در ضمن صحبتی که

دو روز بعد از آن با ایشان داشتم من بعلاوه مطالبی که در طی آن مراسله به ایشان رسانیدم به ایشان فهمانیدم که دولت اعلیحضرتی ابدأ با مسئله تعیین ماژور استوکس مربوط نبوده و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم از وضع سلوک و رفتاری که شما اتخاذ نموده بودید در موقعی که در پارلمان در خصوص اقدامات کلنل لیاخوف و ابقای عساکر روس در ایران مذاکرات نامساعد در میان بود و اظهار داشتم اطمینان دارم که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] هم در هر موقعی مثل حالیه که رفتار دولت اعلیحضرتی مورد انتقادات نامناسب واقع شود عقاید عامه روس را تسکین خواهند داد.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] در جواب اظهار داشت دولت روس همینطور خواهد کرد چرا که او چیز دیگری را خواهان نیست مگر آنکه دولتین همیشه متفقاً در همکاری عمل نمایند مخصوصاً در این موقعی که امور ایران به چنین نقطه باریکی رسیده است و ایشان به مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده‌اند که مکتوبی بمضمون مراسله‌ای که کنت بنکندر فوشما ارائه نموده است برای دولت ایران فرستاده و به اتفاق سر جارج بارکلی به دولت ایران اصرار نمایند تشکیل ژاندارمری مالیه را به یکی از صاحب‌منصبان سوئدی واگذار نمایند.

ایشان از من خواهش می‌نمایند از شما اظهار تشکر قلبی بنمایم برای اینکه به سر جارج بارکلی دستورالعمل داده‌اید اظهار نماید که دولت اعلیحضرتی استعفای ماژور استوکس را نمی‌توانند قبول نمایند.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ اوت)

طهران ۲۰ اوت ۱۹۱۱ [۲۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۵ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۸ اوت شما:

ماژور استوکس - سفیر روس و من دیروز علیحده مکتوب خود را برای دولت ایران فرستادیم.

نمره - ۲۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

استوکس از من استفسار نموده است که نظر به اظهاراتی که به دولت ایران کرده‌ام و به او اطلاع داده‌ام اینطور مفهوم می‌گردد که استعفایش قطعاً رد شده است و هرگاه اینطور است به چه سبب و جهت اینکار را کرده‌اند. او اشعار می‌دارد از زمانی که استعفاء

کرده است سه هفته می‌گذرد و تاکنون جوابی به او داده نشده و اظهار می‌دارد که شومتر بسیار مایل است او شروع بکار کند.

نمره - ۲۹۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

کفیل قنصلگری تبریز راپورت می‌دهد که شجاع‌الدوله در تبریز اعلام نموده است که از طرف محمدعلی میرزا به ایالت آذربایجان منصوب گردیده. شجاع‌الدوله حاکم مراغه قبل از رولوسیون در محاصره تبریز شرکت مهمی نمود و فعلاً در سراب است و از قرار مذکور عده زیادی همراه خود دارد.

نمره - ۲۹۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

همکار روسی و من روز ۲۰ اوت به دولت ایران نصیحت نمودیم که به جای ماژور استوکس صاحب‌منصبان سوئدی برای تشکیل ژاندارمری خزانه تعیین نمایند. بنظر ما باین طریق ممکن است حل مشکل حالیه را نمود.

چیزی که لازم است این است که تشکیل ژاندارمری بهر قسمی که باشد شروع شود بعلاوه عقیده من بر این است که ژاندارمری خزانه که مستر شومتر در مد نظر دارد بیشتر احتمال ترقی دارد تا آنکه قوه دیگری در همان وقت تشکیل شود حتی در صورتی که برای هر دو قسم قوه وجوهات برسد.

گمان من این است همین که تشکیل ژاندارمری شروع گردید ما در هر موقعی که لازم شود می‌توانیم تقاضا نماییم یک قسمتی از ژاندارمری از وظایف راجع به خزانه منفصل و برای کارهای عمومی دیگری در مملکت بکار برده شود.

چنانچه راپورت داده شده صاحب‌منصب ارشد سوئدی اظهار داشته است که دوازده ماه برای او لازم است تا آنکه بتواند کار مؤثری از پیش ببرد. هرگاه این مطلب صحت داشته باشد او بکار خزانه‌دار کل که تصور می‌کند تشکیل ژاندارمری او بفوریت لازم است نخواهد خورد.

نمره - ۲۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز - دولت ایران اخیراً سعی داشتند که نظام‌السلطنه را ترغیب نمایند

با قوامیان اصلاح نماید ولی مساعی دولت مشارالیهها منتج نتیجه نگردیده است. مستر ناکس راپورت می دهد که اوضاع سخت تر می شود. در عرض دو سه روز آخر اتصالا جنگ در کار بوده و بلاممانعت غارت اموال می شود و تجارت موقوف و نواحی دوردست به يك حال مغشوش تری از سابق می باشند. مستحفظین قشقایی در جلو معابر به قنصلخانه چاتمه زده اند. مستر ناکس بعلاوه بطریق ذیل اظهار می دارد:

«راه اصفهان ناامن است و اگرچه اوضاع راه بوشهر فعلا خوب است تجار اطمینان ندارند و تمام حل و نقل اجناس خود را موقوف داشته اند.»

من مفاد تلگراف کفیل قنصلگری را به دولت ایران نوشته و تقاضا نموده ام که قشقاییها که دور قنصلخانه مواظب هستند از آنجاها بروند و آن دولت را از مسئول بودن برای جان و مال اتباع انگلیس متذکر ساختم.

نمره - ۳۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ اوت) طهران ۲۲ اوت ۱۹۱۱ [۳۰ مرداد ۱۲۹۰: ۲۷ شعبان ۱۳۲۹]

شیراز

کفیل قنصلگری راپورت می دهد که با محله یاقیان باب مذاکرات مفتوح گردیده و به متارکه موقتی منتهی گردیده است

نمره - ۳۰۱

تلگراف سر ادوارد جری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه ۲۳ اوت ۱۹۱۱ [۳۱ مرداد ۱۲۹۰: ۲۸ شعبان ۱۳۲۹]

تازگی سفیر ایران به ما شکایت می کنند که روسها از مراجعت شاه مخلوع پرده پوشی می کنند و شش نفر از صاحبمنصبان بحری روس او را در یکی از کشتیهای روسی از بادکوبه به سرحد وارد نموده اند و چنانچه قنصل دولت مشارالیهها مقیم عشق آباد خبر داده است خان بنادر سرحد که در جزو هیئت ارکان حرب روس درجه کلنل را داراست از آنجا حرکت کرده ظاهرا به قصد آنکه آن اعلیحضرت را کمک نماید و در بانک روسی پول برای او جمع آوری شده است و یکی از اجزاء جنرال قنصلگری روس در طهران خیلی با مقاصد او عملا طرفداری می نماید و بریگادا قزاق به معاذیر متعذر می شوند که به ایالات و ولایات اعزام نشوند و از اطاعت و امر وزیر جنگ دولت ایران امتناع می نمایند.

آیا بنظر شما این نسبتهای غیر معلوم که داده شده است اساسی دارد؟

نمره - ۳۰۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۳ اوت ۱۹۱۱ [۳۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۳۱ اوت شما:

صاحبمنصبان سوئدی - واضح است که باید فوراً اقدامی نمود که ادارات معتبر
انگلیسی تجارت خود را در خلیج فارس مقطوع و متروک ندارند و اگر این کار را
بکنند برای ایران خیلی خسارت وارد خواهد آمد و خطر حقیقی چنین اقدامی مشهود
است.

اگر دولت ایران بخواهد تمام صاحبمنصبان سوئدی را برای ژاندارمری خزانه بکار
وادارد راههای جنوبی چطور محافظت خواهند شد؟ اگر کسی بجای ماژور استوکس
استخدام شود ممکن است دیگران را دستورالعمل داد که اگر بتوانند فوراً بطرف بوشهر
حرکت کرده و مستحفظین موقتی تشکیل دهند تا آنکه قوه منظمی تنظیم شود و تشکیل
قوه منظم در وقتی که مالیه مرتب و منظم شود ممکن است آیا این کار مفید واقع خواهد
شد و آیا اگر صاحبمنصبان سوئدی با تجار ترتیبی بدهند ممکن است راه بین بوشهر
و شیراز را امن نمایند؟ مثلاً محمول خود را همراه قاطرداران مسلح بفرستند چنانچه
کمپانی لینچ همین کار را در راه پختیاری می کند و اجناس خود را حمل و نقل
می نماید.

نمره - ۳۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اوت)
طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۱ [۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ شعبان ۱۳۲۹]
در تعقیب تلگراف ۱۶ اوت خود افتخار دارم راپورت دهم که سالارالدوله در
۲۳ اوت از کرمانشاهان بطرف همدان حرکت نمود.

نمره - ۳۰۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اوت)
طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۱ [۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ شعبان ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل را جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر فرستاده است تاریخ آن
۲۱ اوت است:

قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز مرا اطلاع داده است که راه لرستان برای ایاب و
ذهاب قوافل کاملاً امن است و تجار خرم آباد مایل اند قاطرداران را ترغیب به ایاب و
ذهاب در این راه نمایند.

از زمانی که کمپانی لینچ امتیاز این راه را گرفته اند اول دفعه ایست که اوضاع به

اینطور مناسبی پیش آمده و عرض می‌کنم خوب است به لینچ اصرار شود هر قدر زودتر که امکان دارد کسی را از طرف خود در راه بفرستند که اقدامات لازمه برای اتمام راه بنماید قبل از آنکه مدت مهلتی که داده شده است منقضی گردد.

من وکیل لینچ را که در طهران است به این مسئله متذکر نموده‌ام و او به مهندس کمپانی دستورالعمل داده است بطرف سلطان آباد حرکت نماید. هرگاه اوضاع به همین‌طور مساعد باقی باشد مهندس مزبور راه را بازدید خواهد نمود.

ولی دوام امنیت راه لرستان درست معلوم نیست چرا که دولت ایران به امیر مفخم بختیاری که بهبودی اوضاع به واسطه حکومت او است فشار می‌آورند که با سالارالدوله در ناحیه کرمانشاه جنگ نماید.

نمره - ۳۰۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت) طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]

افتخار دارم راپورت دهم که دولت ایران شکایاتی را که شما در تلگراف ۲۳ اوت خود اشعار نموده بودید به اطلاع من رسانیده‌اند بانضمام شکایات دیگر که از زمینه آنها معلوم می‌شود قنسولهای دولت روس مقیم ایران طرفدار محمدعلی میرزا بوده و ارتجاعیون بسیاری که در زرگنده سکونت اختیار نموده‌اند مشغول انتریگ می‌باشند. در باب انتریگهایی که به جنرال قنسول روس نسبت داده شده و جمع‌آوری پول برای محمدعلی میرزا، نمی‌توانم باور کنم بتوان این نسبتها را مدلل ساخت چرا که دولت ایران خود این شکایات را به سفیر روس ننموده‌اند.

در خصوص نسبت بی‌اطاعتی که بر بریگاد قزاق داده‌اند من غالباً شنیده‌ام شکایت کرده‌اند که کلنل وادبولسکی توپ و مهمات جنگی نمی‌دهد و قزاقهای تحت امر خود را به ایالات و ولایات نمی‌فرستد ولی من تصور می‌کنم این شکایات مقرون بصحت نیست و کلنل مذکور قبل از مراجعت شاه مخلوع هر قدر قزاق و توپ و مهمات جنگی که می‌توانست بدهد بطوری که بشکل قوه بریگاد صدمه وارد نیاورد برای دولت ایران حاضر می‌نمود که به خارج طهران بفرستند. فعلا علاوه بر مستحفظین مختلفه سفارتخانه‌ها زیاده‌تر از چهارصد نفر در طهران نیستند.

وقتی که مسئله همراه بودن صاحبمنصبان بحری روسی را با شاه مخلوع و مدد رسانیدن یکی از صاحبمنصبان ارکان حرب را به همکار روسی خود ذکر نمودم خیلی بنظرش مضحك آمد. مسئله عبور او را از بحر خزر در يك کشتی مجهول از پتروسک عموم تصدیق دارند و نیز در روزنامه موسوم به بحر خزر که در بادکوبه طبع میشود راپورت ملاقاتی با کاپیتان يك کشتی شرعی که از کار افتاده و کشتی مجهول آنرا نجات داده است داده شده. کاپیتان کشتی شرعی مذکور اظهار می‌دارد که چند نفر مسافر از اعیان ایرانی و اروپاییان ملبس به لباسهای خوب در آن کشتی دیده شد -

ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت اظهار می‌دارد که از قراری که راپورت داده شده هفتاد صندوق که اکثر آنها محتوی اسلحه و مهمات جنگی بود با محمدعلی میرزا از کشتی مذکور پیاده شد.

نمره - ۳۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت) طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹] ایلات ترکمن تا مسافت ۲۵ میلی ارادان در راه مشهد پیش آمده‌اند.

نمره - ۳۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت) طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹] نایب‌حسین اردستان را قبضه نموده و بطرف کاشان در حرکت است که آنجا را هم قبضه نماید.

نمره - ۳۰۸

مکتوب وزارت خارجه انگلیس به کمپانی لاید وزارت خارجه ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹] آقا

برحسب تعلیم سر ادوارد گری وزیر امور خارجه وصول مراسله ۱۰ شهر جاری شما را در باب عدم امنیت راه‌های تجارتي جنوب ایران اطلاع می‌دهم. من بایستی شما را مستحضر بدارم که سر ادوارد گری بخوبی از اوضاع سخت امورات در نواحی مزبوره و خسارات به تجارت انگلیس که بدان واسطه وارد می‌گردد واقف می‌باشند.

دولت ایران قرار داده‌اند هیئت ژاندارمری در تحت صاحب‌منصبان اروپائی که به طهران آمده‌اند مشاغل خود را بعهدہ گیرند تشکیل دهند و سر ادوارد گری لزوم تسریع تشکیل این قوه را به دولت ایران اصرار می‌نمایند. در صورتی که در تشکیل ژاندارمری زیاده از اندازه تعویق روی دهد و یا آنکه مقاصد منظوره از آن بعمل نیاید دولت اعلیحضرتی برای حفظ تجارت انگلیس اقدامات دیگر خواهند نمود و دولت ایران مسئول خساراتی هستند که بعلت سرقه اجناس به اتباع انگلیس وارد می‌آید.

نمره - ۳۰۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ اوت)

طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۱ [۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱ رمضان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه

افتخار دارم راپورت دهم که خزانه دار کل خیال می کند که تشکیل يك قوه ژاندارمری برای هر مقصودی مکفی خواهد بود و من هم با عقیده او موافقت دارم. او تصور می کند که ژاندارمری خزانه برای هرگونه احتیاجات مناسب و مکفی خواهد بود.

نمره - ۳۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ اوت)

طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۱ [۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۲ ژوئیت من مجلل بدون اینکه کسی او را ممانعت کند به اردبیل وارد شده است.

www.adabestanekave.com

نمره - ۳۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ اوت)

طهران ۲۷ اوت ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۲ اوت من - از قراری که راپورت داده شده قشون ارشدالدوله استعداد کمی از دولت را در نزدیکی ارادان شکست داده و وارد ارادان شده است.

نمره - ۳۱۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ اوت)

طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که مطالب دو قسمت آخری تلگراف ماه مه گذشته خود را که به شما مخابره نمودم مکرراً برای جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر مخابره نمودم. مطالب مذکوره در باب اوضاع طرق جنوبی و وضعیت احصائی گمرکات جنوب نسبت به آن اوضاع می باشد.

الحال مکتوبی از کلنل کاکس برای من رسیده محتوی یادداشتی است که از روی آن معلوم می گردد عایدات گمرکی (چنانچه من مذکور داشتم در تلگراف فوق الذکر خود) در حقیقت دلیل بر بهبودی تجارت انگلیس می باشد.

ولی حتی اگر مبلغ عایدات گمرکی که من به شما راپورت دادم از آنچه مستر چیک

ارائه می‌دهد کمتر اسباب سوء تفاهم در باب تجارت انگلیس باشد آنچه من ذکر نمودم که ازدیاد واردات از راه محمره جبران کمی واردات بوشهر را نموده است الحال که اغتشاشات جدیدالوقوع راه اهواز الی اصفهان (رجوع به تلگراف ۱۳ و ۱۹ شهر جاری من کنید) مانع است که در عوض راه شیراز از اینطرف اجناس به اصفهان حمل شود از قوت بحث من کاسته می‌شود و با تجدید وقوع سرقت‌هایی که در قسمت راه شیراز الی اصفهان به وقوع می‌رسند اوضاع را نمی‌توان امیدبخش دانست.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ اوت)

طهران ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۱ [۵-امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

در مکتوب ۱۲ شهر جاری خود راپورت دادم که در این تازگی صحبت بسیار در میان و شواهدی هم در خصوص بکار بودن طرفداران محمدعلی میرزا موجود بوده است. هنوز سواد آن مکتوب را ننوشته بودم که معین‌الوزاره رئیس کابینه وزیر امور خارجه از من ملاقاتی نموده از طرف وزیر امور خارجه پیغامی آورد مشعر بر اینکه یکی از محبوبان شاه مخلوع مجلل‌السلطان که با آن اعلیحضرت در سفارت روس تحصن اختیار نموده بود و همراه آن اعلیحضرت تبعید گردیده بود از طرف محمدعلی میرزا مشغول ملاقات طوایف شاهسون بوده و سردار ارشد محبوب دیگر آن اعلیحضرت با دو نفر از همراهان خود به بادکوبه وارد شده و شهرت داده‌اند که محمدعلی میرزا تا دو هفته دیگر به ایران مراجعت خواهد کرد. همین که پیغام دیگری شبیه به این به همکار روسی من داده شد ما هر دو تصمیم نمودیم به دولتین متبوعتین خود تلگرافاً [= تلگرافی] توصیه نماییم شاه مخلوع را که از قرار اطلاعات دولت ایران در وینه توقف داشت متنبه سازند در ایران آنتریک [= آنتریگ] ننماید. بدبختانه اطلاعی که دولت ایران به ما داد خیلی دیر رسید و چندان مفید فایده نبود زیرا در همان روزی که این اطلاع داده شد شاه مخلوع بایستی از وینه حرکت کرده باشد.

در ۱۷ شهر جاری شاه مخلوع در کمش‌تپه وارد شد با چند نفر از همراهان خود و شعاع‌السلطنه برادر او با امیربهادر و سعدالدوله همراه او بودند.

از زمان ورودش به خاک ایران اطلاع کمی در خصوص اقدامات او دارم ولی سفیر روس به من می‌گوید که قنصل روس راپورت داده است که اعلیحضرت روز ۲۰ شهر جاری وارد استرآباد گردیده و اهالی او را با شوق و ذوق تمام پذیرائی نمودند.

در موقع نوشتن این مکتوب از طرف دولت ایران خبر به من رسید که يك دسته از

پیروان ترکمن او شاهرود را قبضه و غارت نموده بودند.
از قرار راپورت‌هایی که از ایالات و ولایات رسیده واضح می‌گردد که مراجعت شاه مخلوع بهیچ وجه مورد عدم قبول عامه واقع نشده.

در شمال ایران طوایف ترکمن و شاهسون را می‌توان همراه و مقوی محمدعلی دانست. اهالی مازندران که از زمان شورش مذکوره در راپورت آخری سالیانه تقریباً بکلی از تحت انقیاد دولت مرکزی خود را خارج نموده بودند از قراری که راپورت داده شده بکلی طرفدار آن اعلیحضرت می‌باشند و از قرار مذکور امیر مکرم و همدستان یاغی او مثل رشیدالسلطان و اسمعیل‌خان با او مشغول مراوده و مکاتبه می‌باشند.
از طرف مغرب هم به دولت ایران خبر رسیده که ایلات کلهر و طوایف دیگر و به همین طور والی پشتکوه خود را طرفدار سالارالدوله اعلان نموده‌اند.

طوایف قشقایی هنوز اعلان طرفداری نداده‌اند ولی تلگرافی که از نظام‌السلطنه به دولت مرکزی مخابره شده و شاید می‌توان تصور کرد حاکی عقاید صولت‌الدوله باشد بکلی رفع اضطراب وضع رفتار این طایفه را نمی‌کند و به‌همچنین وضع رفتار رقبای بختیاری آنها هم مایه تشویش است اگرچه خانواده سردار اسعد طرفدار دولت است و وعده اعزام قشون برای مقابله با شاه مخلوع داده‌اند و آیا می‌توان یقین حاصل نمود که شعبه دیگر طایفه بختیاری که در موقع رولوسیون از جانب محمدعلی جنگ کردند با آنها خواهند بود؟

در شهرهای معظمه مردم متمایل به تغییر اوضاع می‌باشند و اغتشاشاتی که مخصوص به سلطنت سابق بود دیگر در اذهان مردم تازگی ندارد و اوضاع ایالات و ولایات امروزه به‌هیچ وجه بهتر از زمانی که محمدعلی بر تخت سلطنت جالس بود نمی‌باشد حتی در تبریز که مولد رولوسیون ۱۹۰۹ می‌باشد چنانکه کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد هنگامی که خبر ورود آن اعلیحضرت که هنوز در شهر منتشر نشده به طبقه عالی شهر رسید اسباب تسکین خاطر آنها گردید. در پایتخت تا اندازه‌ای که من می‌توانم تشخیص بدهم احساسات طور دیگری است.

عقیده من بر این است که محمدعلی علاوه بر چند نفری که از میان آنها اجزاء دولتی طبقه عالی سلطنت فاسده قدیم در کار بودند کسی دیگر با او همراه نیست. اوضاع نظم و امنیت پایتخت از زمان مشروطیت بهتر از زمان شاه مخلوع بوده و نمی‌توان آنها را با هم تطبیق نمود و می‌توان باور نمود که غیر از آنهایی که از فساد عمومی و کلی سلطنت محمدعلی استفاده می‌نمودند و عناصر بدنام و نشانی که در تحت مراجع و مهربانی آن اعلیحضرت به عیش و عشرت می‌گذرانیدند همه مراجعت او را به نظر یأس و نومیدی می‌نگرند. در هر صورت احساسات اعضاء مجلس برضد او است و به خوبی می‌توان تصور نمود که اگر سپهدار دست جلو را نگرفته و روز ۲۳ شهریاری استعفاء ننموده بود مجلس در همان روز رأی عدم اعتماد در حق او می‌داد.

در عرض مدت کمی که بر سر کار بود او در منزل خارج شهر خود در حدود زرگنده که در تحت حکمفرمایی دولت روس است متوقف بوده و مراکز پلتیکی از بی‌اعتنایی

و مشکل‌تراشی او نسبت به تہیاتی که برای مقابله با محمدعلی دیده می‌شد متغیر و خشمگین بودند.

امروز در میان اعتدالیون و دموکراتهای مجلس اختلافی نیست همه آنها ظاهراً طرفدار کابینه دموکرات جدیدالتشکیل می‌باشند.

گفتگوی اعزام قشون برای دفع سالارالدوله خیلی در میان است که در تحت امر سردار ظفر و سردار جنگ بختیاری و دسته‌ای هم در تحت امر یفرم برای دفع محمدعلی فرستاده شود ولی نمی‌توانم زیادتر از این چیزی در این باب بنویسم تا آنکه آثار و علائم فعلیت‌دادن به این امر معلوم و مشهود گردد.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت) طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹] آقا

افتخار دارم راپورت دهم که از کفیل قنصلگری شیراز برای من مکتوبی رسیده از آن مشهود می‌گردد که تاکنون در تشکیل ژاندارمری تحت جنرال مالتا پیشرفتی حاصل نشده. جنرال مالتا ناخوش بود و گذشته از این بهم‌خوردگی کلی امورات در این سه‌ماهه اخیر برای هرگونه اصلاحات از قبیل تشکیل ژاندارمری کارآمدی نامساعد بوده است.

ملاحظه این مسئله مرا مانع آمده است به دولت ایران فشار وارد آورم که به واسطه پرداخت هشتاد هزار تومانی که برای ژاندارمری فارس تخصیص شده کار جنرال مالتا را تسریع نمایند و بلاشک هرگاه این پول فرستاده می‌شد در این موقع باریک تماماً تلف می‌شد.

به واسطه نامعلومی و ابهام موقع امروزه فهم میزان قوه و استعداد ژاندارمری که دولت ایران تشکیل بدهند مشکل است ولی هرگاه سلطنت حالیه دوام کند من ناامید نیستم از اینکه دولت بتواند يك قوه مؤثری برقرار نماید.

صاحب‌منصبان سوئدی نزدیک است به ایران وارد شوند و هرگاه وجه کافی به آنها برسد بایستی بتوانند خدمات خوب بکنند.

امضاء جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره - ۳۱۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)
 [طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]
 آقا

در باب مراسله ۱۲ ماه گذشته من افتخار دارم راپورت دهم که به مجرد وصول تلگراف ۲۱ ماه گذشته شما خزانه‌داری کل را اطلاع دادم که ماژور استوکس قبل از اینکه قبول فرماندهی ژاندارمری خزانه را بنماید باید از شغل خود در قشون هندی استعفاء نماید. وقتی بطوری که شما دستورالعمل داده بودید به او اطلاع دادم با کمال شدت استعفای وی را از شغل خود تقبیح نموده به او اشعار داشتم که تعیین او به این مقام که می‌خواهند بوی تفویض نمایند و مشاغل آن به نقاط جنوبی محصور نخواهد بود یقیناً باعث اعتراضات دولت روس خواهد شد و اعتراضات آن دولت که ما ممکن است نتوانیم با آن مخالفت نماییم یحتمل باعث نسخ کنترات او گردد و اگر این‌طور شود برای او خیلی ناگوار خواهد بود ولی چنانچه بر من معلوم گردید او مصمم استعفاء می‌باشد در صورتی که شرط موافق دلخواه وی در کنترات بشود که پس از انقضای مدت کنترات یا نسخ استخدام او حقوق تقاعدی در حقش برقرار گردد. در موقعی که مستر شوستر مختار گردید که از طرف مجلس ماژور استوکس را استخدام نماید شرطی برای برقراری حقوق تقاعدی در حق وی بعمل نیامد و بنا بر این لازم بود که در این باب با مجلس مذاکره ثانوی شود. کابینه قدری مردد بود که چنین کاری بکنند. سفیر روس به وزیر امور خارجه رسانیده بود که دولت روس از تعیین او که پیشنهاد شده بسیار بی‌میل می‌باشند و وزیر امور خارجه البته از این مسئله آگاه می‌باشند و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] لازم دانسته بود که مسئولیت تعیین وی را از خود رفع نماید و اظهار داشت که تعیین وی بدون اطلاع کابینه پیشنهاد گردیده بود.

مستر شوستر به کابینه فشار وارد آورد که ترتیبات تعیین حقوق تقاعدی او را از مجلس بگذرانند ولی اصرارهای او تا زمان برسر کار آمدن کابینه دموکرات حالیه مثمری نگردید. کابینه مزبور در ۲۵ ماه گذشته مشغول بکار شد و روز ۲۹ ماه گذشته شرایط حقوق تقاعدی ماژور استوکس رأی گرفته شد ماژور استوکس روز بعد همان روز استعفای خود را عرضه داشت.

برحسب تعلیمات شما من به وزیر امور خارجه در ۲۹ ماه گذشته اظهار داشتم که شنیده‌ام هرگاه ماژور استوکس قبول مقامی که به او اعطاء شده بنماید ممکن است وی را بر اقدامات نظامی بر علیه [= علیه] شاه مخلوع بکار وادارند و به جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اشعار نمودم که هرگاه او را به این‌طور بکار وادارند ممکن است بهانه بدست صاحب‌منصبان روسی داده شود که با طرف مخالف همراهی جدی نمایند. در دوم شهر جاری به وصول تلگراف روز قبل شما من او را بطور رسمی از این مسئله متنبه نمودم من جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را اطلاع دادم و یادداشتی بایشان دادم که ماژور

استوکس لازم است قبل از آنکه در استخدام دولت ایران داخل شود از شغل خود استعفاء نماید و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم که تعیین وی بدون مراجعه به دولت اعلیحضرتی صورت انجام گرفته و دولت مشارالیهها صلاح می‌دانستند که با ایشان قبلاً در این باب مشورت شود و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم که تعیین ماژور استوکس برای هرگونه اقدامات نظامی شمال ایران ممکن است متضمن ملاحظات پلتیکی باشد و دولت اعلیحضرتی اعتراضاتی را که بر علیه [= علیه] آن ممکن است بشود نمی‌توانند رد نمایند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت) طهران ۸ اوت ۱۹۱۱ [۱۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۹] آقا

افتخار دارم ملخص مکتوبی که ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت برای من فرستاده و بعضی اطلاعات در باب پیاده شدن معمدعلی‌شاه و مخصوصاً در باب طوایف ترکمن داده است لفاً ایفاد دارم، از این اطلاعات می‌توان فهمید که تا چه اندازه محتمل است طوایف مذکوره به شاه مخلوع تقویت نمایند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۱۶

از طرف ویس قنسول رابینو به سر جارج بارکلی

رشت غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

افتخار دارم آنچه اطلاعات توانسته‌ام بدست آورم در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران و طوایف ترکمن و رؤسای آنها و کوهستانیهای که محمدعلی بلاشک برای تصرف تاج و تخت سلطنت بر آنها متکی است نوشته به عرض شما برسانم.

۱- حرکت شاه مخلوع به طرف کمش‌تپه

محمدعلی‌میرزا روز ۱۷ ماه ژوئیت به کمش‌تپه پیاده شد. از قرار مذکور غفلتاً از وینه برای بتروسک [= پتروسک] با اسم جعلی حرکت کرده و یک جهازی مخصوص خود کرایه نمود که خود و دوازده نفر از همراهانش را مستقیماً به کمش‌تپه که بندر استرآباد است ببرد.

از قرار مذکور او ۷۰ لنگه بار که اکثر آنها محتوی اسلحه و مهمات جنگی بوده‌اند در این کشتی حمل نموده است.

۲- ترکمنها

طوایف ترکمن همیشه طرفدار سلطنت استبدادی بوده‌اند. حاکمی که طرف میل آنها

است علاءالدوله است که هنگامی که در میان آنها بودند دو نفر از آنها را دم توپ گذارد با وجود آنکه می‌گفتند تبعه روس می‌باشند.

وقتی که در ماه دسامبر ۱۹۰۹ طوایف ترکمن را ملاقات نمودم آنها به من اظهار تعجب می‌نمودند از اینکه محمدعلی میرزا پس از واقعات ۱۳ ژوئیه در میان آنها پناهنده نشد.

بعضی از جوانان آنها فریاد می‌زدند ما تمام مملکت را از اینجا تا پایتخت منهدم و ویران نمودیم.

واضح بود که چون این طوایف سنی بودند به این زودیه‌ها مطیع و منقاد پارلمان نمی‌شدند و بعقیده آنها مجلس در تحت نفوذ و اوامر چند نفر از مجتهدین شیعه می‌باشد.

محمدعلی میرزا بزودی از احساسات و خیالات آنها باخبر شده و باب مراسلات را با رؤسای آنها مفتوح و عکس خود را با انعامات مختلفه برای آنها فرستاد. انجمن استرآباد و حکومت‌های مختلفه که از زمان سلطان احمدشاه بدانجا فرستاده شده کاری نکرده‌اند که یا با ترکمنها اصلاح نمایند و یا آنکه به غارت‌های آنها خاتمه دهند.

ترکمنها علی‌هذا آنقدر جسور گردیدند که شبانه داخل شهر شده و اسبهای حاکم را از طویله خودش می‌زدیدند و بطور آشکار شهرت یافت که آنها بنا بر دعوت انجمن اینکار را می‌کردند.

ایلات جعفربای و آقابای یموت از سایر ایلات یموت با مکتت‌تر و سواره ایشان بهتر است و اگرچه طایفه خان یخماز از همه وحشی‌تر می‌باشند ولی سارقین و راه‌زنان جسورتر از همه در میان دو طایفه که قبلا مذکور گردید یافت می‌شوند که چون از خود وسیله معیشت ندارند مجبوراند برای فراهم آوردن اسباب تعیشت خود از قبیل تعمیر آلاچیق (چادر) و خرید زن برای خود بواسطه حمله و هجوم بر محلات خود تحصیل وجه نمایند.

طوایف جعفربای و آقابای آن‌طور آزادی که سابق داشتند ندارند که از دادن جبران مصون باشند. از سی سال قبل تاکنون محلاتی که در آنها بطور ثابت سکونت اختیار نموده‌اند هم در عده و هم در وسعت زیاد شده است. کمش‌تپه و خواجه نفیس و اومکالی و پاشن‌پورخه تمام محلات عمده‌ایست که در آنها عمارات چوبی در خارج و انبارهای مال‌التجاره دیده می‌شود.

حال هرگاه طوایفی که مکتتشان زیادتر است بخواهند دسته‌ای از خودشان برای جنگ بفرستند برایشان ممکن نیست چادرهای خود را از سواحل جنوبی رودخانه اترک بجای دیگر نقل نمایند.

بنابراین تصور می‌کنم عده زیادی از آنها امتناع خواهند ورزید از اینکه از دشت گرگان حرکت کنند و هزار و پانصد نفر زیادترین عده‌ایست که ممکن است انتظار داشت محمدعلی بتواند از ترکمنها بدست آرد و اگرچه در بدو کار این قشون امدادی

ممکن است برای شاه ممدی برای تخویف و تهدید مردم به اطاعت باشد ولی آخر الامر غارتها و چپاول آنها حتماً اسباب شورش رعایای بیچاره پایمال شده خواهد گردید. هرگاه این طور بشود برای محمدعلی میرزا تحصیل آذوقه اشکال خواهد داشت و همین مسئله ابتدای تفرقه قشون او خواهد بود.

يك نقص دیگر ترکمنها در موقع جنگ تنظیمات طایفگی آنها است و هنوز رسم داشتن بزرگتر و سرکرده در میان آنها بطور بسیار قدیم مجری و معمول است و ما می توانیم آن را به شسیالیزم [سوسیالیزم؟] جدید تشبیه نماییم. هیچیک از آنها بر دیگری تفوق و برتری ندارد.

این اصول تنظیمات تا اندازه ای در میان آنها رسوخ دارد که برای هرگونه تقصیری مجازات حقیقی در کار نیست (مگر آنکه طرفی که مظلوم واقع شده قوی تر باشد) چرا که ریش سفیدان ایل قدرت اینکه به تصمیم خود فعلیت دهند ندارند مگر آنکه دو فرقه متخاصمه آن تصمیم را تصویب نمایند.

نمره - ۳۱۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

از وقتی که مکتوب ۲۸ ماه گذشته خود را ارسال داشتم شاه مخلوع تا ساری که پایتخت مازندران باشد پیش آمده و در آنجا شعاع السلطنه برادر وی که در استرآباد مانده بود که پول و اسلحه و مهماتی که در شهر بدست می آمد جمع آوری نماید به او ملحق شده است. از قرار مذکور شاه مخلوع هزار نفر که اکثرشان ترکمن هستند با سه عراده توپ کوهستانی همراه دارد. عده قشون دیگری قریب ششصد نفر و سه عراده توپ در تحت سردار ارشد از راه مشهد به طرف طهران در حرکت و حالا شهر دامغان را پس از قدری جنگ قبضه نموده اند.

يك دسته قشون دولتی قریب هزار و چهارصد نفر در تحت امر سردار محیی که در زمان رولوسیون یکی از سرکردگان سپهدار بود از طهران اعزام شده که گردنه های کوههای مازندران را در حدود فیروزکوه قریب هفتاد میلی مشرق طهران تصرف نماید و او آنها را قبل از آنکه رشید السلطان که شاه مخلوع او را از طرف شمال فرستاده بود به تصرف خود درآورد قبضه نمود. از قراری که فهمیده ام دولت چندان به این قشون اعتماد ندارند که با محمدعلی طرف شود و منتظر قشونی هستند که یفرم رئیس نظمیه فعلاً در طهران تشکیل می دهد که در تحت امر خود و سردار بهادر حرکت کنند. با کمال اطمینان امید است که وقتی که این قشون حاضر می شود سرکردگان آن به همان مظفریتی که در جنگ رحیمخان در آذربایجان زمستان سال گذشته تحصیل نمودند نائل گردند.

سالارالدوله الحال کرمانشاه را در تصرف دارد و شش هزار نفر همراه خود دارد.

امیرمفخم حاکم بختیاری بروجرد را تعلیم داده شده است که به جنگ او برود. او قشون معتبری همراه دارد چرا که همین تازگی مشغول آرام نمودن الوار بود و از قراری که راپورت داده شده به آن کار فایق آمده ولی آثار و علائم حرکت او بطرف کرمانشاه معلوم نیست. او یکی از اعضاء خانواده حاجی ایلخانی است که در زمان رولوسیون از جانب محمدعلی میرزا جنگ می کرد و هرگاه از جنگ با سالارالدوله امتناع ورزد اسباب تعجب نخواهد بود.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)
 طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

در باب مکتوب ۱۱ ژوئیت من در خصوص اوضاع امنیت طرق جنوبی افتخار دارم راپورت دهم که نه فقط راه شیراز الی اصفهان هنوز امن نیست بلکه آنقدر سرقت در راه بختیاری واقع شده که کمپانی لنج [= لینچ] حمل و نقل مال التجاره را موقوف داشته اند. قاطرداران که عده قاطر آنها برای حمل و نقل مال التجاره که جمع شده کافی نمی باشد و وکیل اداره به من اظهار می دارد که حمل آنها دو سال وقت می خواهد، امتناع دارند از اینکه خود و قاطرهای خود را در معرض حملات طوایف کهکلوئییه [= کهگیلویه] و بهمه ای قرار دهند.

برای مأمورین اداره تلگراف هند و اروپا مقیم شیراز همه اشکال داشته است قاطرداران را ترغیب بنمایند که برای تفتیش راه حرکت کرده و خود را در خطر بگذارند مگر آنکه برای هرگونه خساراتی که ممکن است بدانها وارد شود قبل از وقت ضمانتی داده شود.

جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان در ۸ ژوئیت راپورت داد که بهبودی موقتی این اوضاع چنانچه در مکتوب فوق الذکر من اشاره بدان شده چندان دوامی ننموده. در عرض هفته قبل راپورت سرقتهای تقریباً تمام راههای در خاک اصفهان رسیده. در ۱۵ ژوئیت مستر گریهم جنرال قنسول راپورت داد که راه پسته شیراز بکلی متروک مانده و هر قافله که وارد می شود از راههای بیراهه و دور مسافرت نموده است. این، تأمین امنیت را نمی نماید چرا که به موجب تلگرافی که در ۲۹ ژوئیت از شیراز رسیده آن قافله که محمول نقدینه بانک بوده و از راه سرحد از اصفهان می آمده چند صندوق محتوی هزار و پانصد تومان در خسرو شیرین که مقر تابستانی صولت الدوله است سرقت شده است.

مستر گریهم در مکتوب ۲۹ ژوئیت خود اظهار می دارد که به استثنای راه یزد راه دیگری که برای حمل و نقل مال التجاره امنیت داشته باشد نیست.

خساراتی را که به کمپانی ذیگلر وارد آمده و اقداماتی که من در آن باب نموده‌ام تلگرافاً [= تلگرافی] به شما مخابره نمودم ولی الحال افتخار دارم سواد مراسلات جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان را که حاکی تفصیلات دیگر راجع به سرقت‌های اخیر در راه بختیاری و طرق جنوبی می‌باشد و اشعارات وکیل کمپانی ذیگلر مقیم آن شهر در باب نکث تجارت انگلیس که بعلت عدم امنیت راهها واقع شده که در صورت مأمون بودن راهها از طرف جنوب مال‌التجاره برای اصفهان حمل می‌شود لفاً ایفاد می‌دارم.

در خاتمه مراسله خود اظهار می‌نمایم که به واسطه حضور آدم‌های نایب‌حسین امنیت راه اصفهان الی طهران تهدید شده و کمپانی لینچ حمل و نقل مال‌التجاره را در آن راه موقوف داشته‌اند و مال‌التجاره خود را همراه قوافل مخصوص که سعی خواهند کرد از بیراهه به طهران برسند حمل نموده‌اند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری
طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع ایران را برای چهار هفته گذشته بطریق معمول ماهیانه ایفاد دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۱۹

خلاصه وقایع ایران برای چهار هفته

از ۱۳ ژوئیت الی ۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر تا ۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب تا ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

طهران

کابینه

در ۱۹ ژوئیت [۲۷ تیر، ۲۲ رجب] سپهدار کابینه را تشکیل داد. اعضاء آن بقرار ذیل است:

سپهدار	صدراعظم
وثوق‌الدوله	وزیر داخله
صمصام‌السلطنه	وزیر جنگ
محتشم‌السلطنه	وزیر امور خارجه

وزیر عدلیه	قوام السلطنه
وزیر مالیه	معاون الدوله
وزیر پست و غیره	مشیر الدوله
وزیر معارف	حکیم الملک

این کابینه زیاده‌تر از پنج روز دوام ننمود و در ۲۴ ژوئیت سپهبد ار استعفاء نمود و نایب السلطنه استعفایش را قبول کرده در ۲۶ ژوئیت صمصام السلطنه؛ یلخانی بختیاری به صدارت منصوب و کابینه ذیل را تشکیل و به مجلس معرفی نمود:

صدراعظم و رئیس الوزراء	صمصام السلطنه
وزیر امور خارجه	وثوق الدوله
وزیر داخله	قوام السلطنه
وزیر مالیه	حکیم الملک
وزیر عدلیه	مشیر الدوله
وزیر پست و غیره	دبیر الملک
وزیر معارف	علاء السلطنه

در غره همین ماه دبیر الملک استعفاء نموده و بطرف اروپا رهسپار گردید. یکی از وکلاء موسوم به معاضد السلطنه که تاکنون برای وزارت انتخاب نگردیده بود در سوم شهر جاری بجای وی منصوب گردید.

دستگیریهای پلتیکی - کمی پس از آنکه مجلس قانون نظامی را تصویب نماید چندین دستگیری پلتیکی بعمل آمد. از آن جمله حاجی مجدالدوله که دارای نشان ك. سی. ام. جی. انگلیس است و امین الدوله و ظهیر الاسلام دستگیر گردیدند. در موقع دستگیری مجدالدوله قدری خونریزی به وقوع پیوست.

مجلس - کابینه وزراء در جلسه فوق العاده ۱۹ ژوئیت مجلس از آن هیئت درخواست نمودند که قانون نظامی را تصویب نمایند تا آنکه در طهران و ایالات و ولایات در صورت لزوم اعلان شود. مجلس به اتفاق آراء این قانون را تصویب نمود.

ورود شاه مخلوع در ۱۷ ژوئیت [۲۵ تیر؛ ۲۰ رجب] به ایران که باعث اعلان قانون نظامی در طهران گردید منتج به اتحاد موقتی دو پارتی عمده مجلس که اعتدال و دموکرات باشد گردید.

مجلس در جلسه ۲۹ ژوئیت [۶ مرداد؛ ۳ شعبان] باتفاق آراء تصویب نمود که به قاتل یا شخص دستگیر محمد علی میرزا یکصد هزار تومان و به قاتل یا شخص دستگیر سالار الدوله و شعاع السلطنه دو برادران شاه مخلوع هر یک بیست و پنج هزار تومان داده شود. در همان جلسه مجلس به اتفاق آراء تصویب نمود که حقوق تقاعدی سالیانه ۲۵۰ لیرا در حق ماژور استوکس مقرر گردد در صورتیکه پس از انقضای سه سالی که کنترات شده است کنترات او تجدید نگردد.

مجلس در این اواخر بیشتر مشغول مذاکرات راجع به قانون انتخاب بوده است که در عوض اینکه انتخابات دو درجه بعمل آید چنانچه در انتخاب عمومی دو سال قبل بعمل

آمد بطور مستقیم انتخاب بشود.

مطبوعات - ایران نو یکی از روزنامجات یومیة تهران ده روز بود توقیف شده بود بواسطه حمله شدیدی که به سپهدار و کاپینه وی نموده بود ولی روز هشتم شهر جاری دوباره طبع گردید و مقاله‌ای در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران مندرج داشت و انگلستان و روسیه را متهم به همراهی با محمدعلی نموده بود.

تبریز

ایالت تبریز موقتاً با شاهزاده امان‌الله میرزا است و تاکنون کسی برای این عهده از طهران حرکت ننموده اگرچه شاهزاده عین‌الدوله برای این مقام نامزد گردیده است.

رشت

شهر آرام است اگرچه بواسطه ورود شاه مخلوع به ایران در میان مردم قدری هیجان برپا گردیده است.

مین الممالک حاکم گیلان از قرار مذکور استعفاء نموده است.

مشهد

صاحب‌اختیار ایالت خراسان در اواخر ژون از مشهد به سمت طهران رهسپار گردید. تاکنون کسی بجای وی انتخاب نشده. از طرف دولت روسیه در مشهد رشیدالسلطان از سبزواری حرکت کرده و حالا در مازندران است و ظاهراً به منافع روسیه کار می‌کند.

اصفهان

جنرال قنسول اعلی حضرتی در موقعی که راپورت هفتگی خود را در ۸ ژوئیت ارسال داشت جلب توجه به تجدید وقوع سرقتها در تقریباً تمام راهها که در جزو قلمرو حکومت اصفهان است نموده و از وضع بد اداره شدن امور آن ولایت شرحی نوشته است.

در ۲۳ ژوئیت [۳۱ تیر؛ ۲۶ رجب] معین‌همایون برادر سردار محتشم بختیاری از اصفهان به سمت طهران با ۱۳۵ نفر بختیاری و چند نفر سوار دیگر حرکت نمود. سردار محتشم و سردار بهادر از قرار مذکور در شرف حرکت به طهران با تمام بختیاریهایی که حاضر هستند می‌باشند. حاکم اصفهان تخمین غده‌ای که در تحت امر دو نفر از خوانین می‌باشد به دو هزار نفر می‌زند ولی چنانچه تصور می‌شود این اغراق باشد.

کمپانی لینچ راپورت سرقتها و واقعه در راه از اهواز الی اصفهان را داده‌اند و بعلت آن ایاب و ذهاب قوافل موقتاً به تعویق افتاده است.

یزد

فخرالملک حاکم جدید پس از ورود خود فوراً بطرف کوهستان حرکت نموده و حاجی قوام‌دیوان را بجای خود گذاشت و او به طهران فرار نموده و ظاهراً یزد دوباره بدون حکومت است.

نایب‌حسین یاغی معروف از قراری که راپورت داده شده با دویست و پنجاه سوار به طرف اردستان در حرکت است.

شیراز

اوضاع غیرمطلوب امور شهر شیراز که در خلاصه آخری خود شرح آنرا مفصلاً نگاشتم تاکنون به همان طور باقی است. نظام‌السلطنه به فرمانفرمائی باقی است اگرچه هنگامی که صمصام‌السلطنه صدراعظم شد عموم اینطور تصور می‌نمودند که قصد وی این بود نظام‌السلطنه را فوراً از کار معزول نماید. بلوردیها [= بوالوردی‌ها] هنوز می‌خواهند با حکومت از در مجادله داخل شوند و او هم سعی دارد آنها را از محله‌ای که در تصرفشان است خارج نماید ولی تاکنون باین امر فایق نگردیده است. از ۸ ژوئیت تاکنون شلیک گاهگاهی به وقوع می‌رسید و در دو موقع نظام‌السلطنه تهدید نمود که محلات یاغیان را بمبارده نماید. در ۳۰ ژوئیت بهادرالملک یکی از اشخاص عمده‌ای که قوام‌الملک را نگاهداشته بود از طرف همراهان عطاءالدوله مقتول گردید. قشقایها دسته دسته به شیراز وارد می‌شوند و دهات و خانه‌ها را غارت نموده‌اند بدون آنکه مجازاتی در کار باشد. قوام‌الملک در قنصلخانه متوقف است.

سیستان

ماژور اکنور [اوکانر؟] از بیرجند می‌نویسد که طوایف بلوچ به تحریک‌حشمت‌الملک به قائنات هجوم آورده‌اند. عربهای آن ناحیه به بیرجند ورود نموده و در چادرهای سیاه خود سکونت اختیار نموده‌اند تجار معتبر برای استعانت آنها وجوهات جمع‌آوری می‌نمایند.

دسته‌ای کوچک مرکب از سه چهار نفر قزاق روسی که از حدود قائنات بطرف تربت به‌مراهی یک خانم روسی مراجعت می‌نمودند سارقین بلوچ آنها را حمله نموده و آنچه داشتند از قبیل اسب و تفنگ بردند.

راههای تمام این ایالت ناامن می‌باشند.

کرمان

سردار محیی که در خلاصه آخری راپورت داده شد به ایالت کرمان منصوب گردیده الحال به سرکردگی عساکر بر ضد شاه مخلوع فرستاده شده و شاهزاده امیراعظم به ایالت کرمان منصوب گردیده است.

در ۱۲ ژوئیت بعلت اذیت و آزاری که به گبرها می‌شد قریب یکصد نفر آنها در

قنسولخانه اعلیحضرتی پناهنده گردیدند. در ۱۵ ژوئیت ازدهام [= ازدحام] کارخانه‌های نساجی را تهدید نموده و نساجان هم در قنسولخانه اعلیحضرتی بست اختیار نمودند. در ۱۷ ژوئیت یکی از پناهندگان گبر که برای خرید آذوقه به شهر رفت به ضرب گلوله مقتول گردید و قاتل او هنوز معلوم نشده است.

کرمانشاه

سالارالدوله در ۲۴ ژوئیت از کردستان برای کرمانشاه حرکت نموده روز ۳۰ ژوئیت بدانجا وارد گردید. در این وقت تمام مأمورین طهران از شهر اخراج گردیدند و کسی با شاهزاده مقاومت ننمود.

همدان

قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه روز غره شهر جاری تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داد که آژانس مقیم همدان راپورت اغتشاشات بزرگ در شهر را داده است و اظهار داشت که قتل اشخاص و غارت اموال در کار بوده و همکاران وی اتباع خارجه و بیرقهای آنها را محافظت می‌نماید. به آژانس مذکور قنسول اعلیحضرتی تعلیم داده است که هر اندازه که بتواند اتباع انگلیس را محافظت نماید و با پسته بیرقی برای وی فرستاده شد.

بوشهر

اوضاع این ناحیه ظاهراً بطریق معمول است و خبری که قابل ذکر باشد نیست.

نمره - ۳۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اوت)

قلهك ۳۰ اوت ۱۹۱۱ [۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۵ رمضان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع - از قراری که فهمیده‌ام یکدسته از عساکر شاه مخلوع در فیروزکوه از طرف عساکر دولتی شکست خورده است. از قراری که راپورت داده شده یکصد نفر از قشون شاه مخلوع مقتول گردیده‌اند.

راپورت غلبه دیگر عساکر دولتی در نزدیکی بلده در پنجاه میلی شمال شرقی طهران (در مازندران) داده شده است. از قراری که مذکور گردیده خصم بکلی منهزم گردیده است.

نمره - ۳۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
 طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
 تلگراف ذیل از کرمان واصل گردیده است:

طرق مابین کرمان و بندر عباس بکلی ناامن می باشد و مقداری زیاد قالی در کرمان موجود و حاضر برای حمل می باشد کفیل حکومت مستحفظ همراه می فرستد ولی مسئولیت بعهده نمی گیرد. قریب دوازده نفر اروپائیان قصد دارند از کرمان به طرف بندر عباس در این پائیز حرکت کنند، حرکت بسیاری از آنها لازم است ولی نمی توانم به آنها اطمینان احتمال تغییر اوضاع بدهم و هم نمی توانم از حاکم تحصیل اطمینان بنمایم که بطور مکفی از آنها محافظت شود. انتظار خطر نه فقط از فارس می رود بلکه از قرار مذکور بلوچها هم در تهیه می باشند که به نرماشیر [= نرماشیر] و جیرفت هجوم آورند و ایلات و ایالت کرمان هم محتمل است از موقعی که بواسطه اغتشاشات عمومی مملکت حادث گردیده استفاده نمایند.

نمره - ۳۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
 طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
 به تلگراف ۲۴ اوت من رجوع فرمایید:

از ویس قنسول مقیم سلطان آباد برای من اطلاع رسیده که قریب ده هزار نفر همراه سالارالدوله می باشند و اینها مرکب هستند از ایلات مختلفه از قبیل ایل کلهر و غیره. عقیده عموم بر این است که قصد او این است پس از قبضه همدان بطرف قزوین حرکت کند.

بعلاوه راپورت داده شده است که امیر منم حاکم بختیاری و لرستان الحال از بروجرد بطرف همدان حرکت نموده است. دولت ایران مکرراً ایشان را امر داده اند که به جنگ سالارالدوله برود.

نمره - ۳۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
 طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
 تلگراف ذیل از جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده است:

یک دسته از ایلات فارتگر بهارلو از قرار مذکور دو عراده توپ کوهستانی دارند (و آنها را خودشان قبضه نموده اند) و فعلاً بندر عباس را تهدید نموده اند.
 کشتی اعلیحضرتی موسوم به پرسیس امروز به بندر عباس وارد می شود و سی نفر

برای محافظت قنصلخانه در آن هستند، که در صورت لزوم آنها را به کار وادارند و چنانچه در موارد سابق اقدامات نموده‌اند هرگونه اقدامی را که برای حفظ اجانب لازم بدانند بعمل خواهند آورد. تعلیمات داده شده است که به سرکردگان آنها انتباهات لازم داده شود. من این مسئله را تصویب نموده‌ام.

نمره - ۳۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد [گری] (واصله ۲ سپتامبر)

طهران ۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۸ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۳۱ اوت - راه بندرعباس الی کرمان دو فقره سرقت دیگر راپورت داده شده: در یکی از آنها خساراتی که به تجار انگلیسی و هندی وارد آمده به هفت هزار تومان می‌رسد. در دیگر ۱۹۷ لنگه قالی و غیره متعلق به اداره کاستلی و دیگران به سرقت برده شده. یکی از رؤسای محلی تمام آنها را به استثنای ۳۳ لنگه مسترد داشته و قبل از آنکه اجناس مسترده را تحویل بدهد يك ثلث قیمت آنها را مطالبه می‌نماید.

نمره - ۳۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ سپتامبر)

طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]

سالارالدوله - رجوع بقسمت آخری مکتوب نهم اوت من نمایید:

از قراری که مسیو پیکلوسکی [= پاکلوسکی] از قنصل روس مقیم کرمانشاه اطلاع یافته است الوار با سالارالدوله متحد شده و شاهزاده مذکور حکومت بروجرد را به نظر علی (سردار اکرم) که یکی از رؤسای ایل است و پدر زن او می‌باشد واگذار نموده است.

قنصل روس بعلاوه راپورت می‌دهد که امیر مفخم از بروجرد حرکت کرده ولی معلوم نیست که آیا قصد دارد با سالارالدوله جنگ کند یا آنکه به‌وی ملحق گردد. او حالا در ناحیه ملایر می‌باشد و فعلا تا محل سالارالدوله فاصله بسیار کمی دارد.

نمره - ۳۲۶

(تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی)

وزارت خارجه ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۳۱ اوت شما - تا زمان تشکیل ژاندارمری چه اقدامات موقتی

(۱) انتباهات = هشدارها (انتباه = هشدار) - م.

(۲) اصل: کاستلی - م.

می‌توانید برای حفظ طرق جنوبی ارائه طریق نمایید؟

نمره - ۳۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ سپتامبر) طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۹] حرکات شاه مخلوع - راجع به تلگراف ۲۷ اوت من - از قراری که به من اطلاع رسیده دیروز در خوار که در مغرب ارادان واقع است جنگی واقع گردید و بختیارپها که از قرار راپورت واصله تلفاتی نداشتند ارشدالدوله را شکست داده عده زیادی از عساکر وی را به قتل رسانیدند.

نمره - ۳۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ سپتامبر) طهران ۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۹] طرق جنوبی - در جواب تلگراف ۴ سپتامبر شما افتخار دارم راپورت دهم که الحال با صاحبمنصبان قنصلخانه اعلیحضرتی مشغول مذاکره هستم. تلگراف ذیل همین حالا از کرمان رسیده است:

متأسفانه راپورت می‌دهم که اوضاع ایالت کرمان حالیه بسیار مهم است. از اطراف راپورت سرقتهای متوالیه داده می‌شود و حمل و نقل مالالتجاره در راههای تجارته کرمان الی بندرعباس بکلی موقوف گردیده است. در خود شهر مقدار زیادی قالی جمع گردیده و یکی از دو ادارات بزرگ قالی‌بافی اروپایی دیگر قالی‌بافان را بکار و انداشته اجرت به آنها نمی‌دهند. چهار روز دیگر قریب پنج یا شش هزار نفر آنها بیکار خواهند بود. با این وضع اداره دیگر هم نمی‌تواند دستورالعمل بافتن قالی بدهد در صورتی که حمل آن میسر نشود و چهار هزار نفر بافنده دیگر بیکار خواهند شد. قیمت نان و گوشت گران است و بعلاوه کمیاب می‌باشند. اهالی را بیم فرا گرفته، مأمورین محلی ایرانی بکلی از رفع این اشکال عاجزند و از وضع رفتار و گفتار آنها عقیده آنها بر این است که علاج کار امکان ندارد و بهترین رویه که بنظر آنها صلاح می‌آید تعقیب نمایند این است که قبل از آنکه کار بجای سخت‌تری منجر شود آنچه می‌توانند بعمل آورند.

به وصول این تلگراف من بحکومت مرکزی اصرار نمودم که به مأمورین محلی کرمان تعلیم دهند برای حمل قالی‌ها مستحفظ تعیین نمایند که کمپانی مسرزکاستلی بتوانند دنباله کار خود را گرفته و برای بافندگان کار تهیه نمایند.

نمره - ۳۲۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ سپتامبر)

طهران ۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۱ اوت من - شجاع الدوله فعلا از باسمنج [= باسمنج] تبریز را تهدید می نماید.

نمره - ۳۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ سپتامبر)

طهران ۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۹]

عده ای از رؤسای ایل عرب و بهارلو پس از قدری جنگ در حدود شیراز داخل شهر شده اند. همراهان زیادی دارند و قسمت معظم آنها در خارج شهر مشغول جنگ غیرمنظم با قشقاییها می باشند. چنانچه اظهار می دارند آمده اند که انتقام قتل نصرالدوله را نموده و خانواده او را حفظ نمایند و قصد دارند در صورتی که فرمانفرما بآنها تسلیم نشود او را دستگیر نمایند ولی می گویند انتظامات ایالت را بهم نخواهند زد.

نمره - ۳۳۱

تلگراف استونز قنصل به سر ادوارد گری (واصله ۹ سپتامبر)

باطوم ۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۵ رمضان ۱۳۲۹]

کفیل ویس قنصلگری مقیم بادکوبه اطلاع می دهد که از قراری که شهرت دارد شاه مخلوع ایران روز ۷ سپتامبر به آنجا وارد شده و رفت ولی نفهمیده است به کجا رفته.

www.adabestanekave.com

نمره - ۳۳۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ سپتامبر)

طهران ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۶ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من - وزیر امور خارجه مرا اطلاع می دهد که جنرال قنصل روس به مأمورین محلی تبریز اعلام نموده است که از آنجایی که قشون نظامی روس حفظ اتباع خارجه را بعهدہ گرفته است و استقرار نظم به عهده آنها است مأمورین محلی ایرانی و اهالی شهر نباید سنگر درست نموده و یا داخل شهر جنگ نمایند. اگر می خواهند بجنگند باید بیرون شهر جنگ کنند.

سفیر روس مرا اطلاع می دهد که او امر کنونی مأمورین نظامی روس در ایران این است که از غارت اموال ممانعت نموده و در جاهایی که عساکر مجتمعند از جنگ

جلوگیری نمایند.

نمره - ۳۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ سپتامبر)
 طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۱۰ سپتامبر من - جنرال قنصل روس مقیم تبریز راپورت می‌دهد
 که اخطاری مشابه آنکه به مأمورین محلی تبریز نموده برای شجاع‌الدوله فرستاده است.

نمره - ۳۳۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ سپتامبر)
 طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۴ سپتامبر من - ویس قنصل مقیم سلطان‌آباد راپورت می‌دهد که
 عساکر سالارالدوله امیر مخم را شکست داده و او بطرف سلطان‌آباد حرکت نموده است
 و سردار ظفر پسرعموی وی پانصد نفر بختیاری آنجا دارد.

نمره - ۳۳۵

مکتوب اداره امور خارجه هند به وزارت خارجه (واصله ۱۴ سپتامبر)
 معاون وزیر هند [به] معاون وزیر امور خارجه سلام رسانیده و برای استحضار
 خاطر وزیر امور خارجه سواد تلگراف ۹ سپتامبر فرمانفرمای هند را در باب اوضاع
 امور بندرعباس لفاً ایفاد می‌دارد.
 اداره امور خارجه هند ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]

ملفوف نمره ۳۳۵

تلگراف حکومت هندوستان به مارکس اف کرو
 ۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۵ رمضان ۱۳۲۹]
 قریب چهارصد نفر از ایلات بهارلو تازگی غفلتاً به ناحیه بندرعباس ورود نمودند
 و دهات را غارت نمودند.
 هفده نفر از تجار هندوی بندرعباس بعنوان پروتست برعلیه [= علیه] اغتشاش
 مزمین طرق تجارتي و به واسطه عدم حصول جبران سرقتهای متوالیه مالالتجاره خود
 حجرات خود را بسته و به قنصلخانه آمدند. عده مستحفظین قنصلخانه بندرعباس زیاد
 شده و با آنهایی که در تحت یکنفر صاحبمنصب از جاشک رسیده‌اند عمده آنها به
 پنجاه نفر می‌رسند.

دویست نفر از عساکر ایرانی به همین زودیها از بوشهر به طرف بندرعباس خواهند رفت و فعلا در حوالی آن نقطه از غارتگران کسی یافت نمی‌شود. تا زمانی که عساکر نرسیده‌اند کشتی اعلیحضرتی موسوم به اسپیکل در بندرعباس توقف خواهد نمود و پس از ورود آنها کشتی مزبور با مستحفظین اضافی به جاشک خواهد رفت.

نمره - ۳۳۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ سپتامبر) طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۸ رمضان ۱۳۲۹] حرکات شاه مخلوع - از قرار معلوم شورش مازندران به يك حال بدی است. قنصل روس مقیم استرآباد راپورت می‌دهد که محمدعلی میرزا مجدداً با هفت نفر از همراهان خود به کمش‌تپه وارد شده است. امیر مکرّم در بارفروش در ویس قنصلگری روس بست اختیار کرده است.

نمره - ۳۳۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ سپتامبر) طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۸ رمضان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من - تلگراف ذیل از کفیل قنصلگری تبریز رسیده است: در عرض دو هفته گذشته تجار دو دفعه شجاع‌الدوله را ملاقات نموده‌اند که او را از حمله به شهر ممانعت نمایند. او اجازه می‌خواهد وارد تبریز شود و اظهار می‌کند هرگاه نتواند اینکار را بکند راه ورود آذوقه را بشهر مسدود خواهد نمود. تمام خطوط به‌استثنای راه جلفا مسدود می‌باشند - قیمت ارزاق بسرعت گران می‌شود. ملتیان در تهیه اقدام مهمی برای جلوگیری شجاع‌الدوله می‌باشند و در خارج شهر سنگرها تعمیر نموده و چهار هزار تفنگ در میان قشون خود تقسیم نموده‌اند.

نمره - ۳۳۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر) طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من - تلگراف ذیل از جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده است: بواسطه طول توقف قوام در قنصلخانه منافع ما بی‌اندازه تضییق شده و دعوت نمودن

اهل خانه او این دسیسه کاران را و منزل دادن به ایشان در خانه خویش (از قراری که راپورت داده شده رؤسای ایلات عرب و بهارلو در خانه قوام می باشند) بنظر من می رسد دلیل خوبی است برای آنکه اگر بتوانیم بطوری که خطر مهم جانی برای او متصور نشود او را از قنسولخانه خارج نماییم. آیا نمی توانیم به فرمانفرما بگوییم اگر شما و صولت الدوله به دولت ایران تلگرافاً [= تلگرافی] بطور صحیح تعهد نمایند که آرام بوده و حفظ جان او را منظور بدانید ما قوام را به همراهی مستحفظین قنسولخانه تا هر محلی که مقرر شود فرستاده و او را در آنجا به رؤسای ایلات خمسه خواهیم سپرد، در صورتی که قوام همان وقت به دولت ایران تلگراف کند که به مسافت زیادی از شیراز خود و ایلاتش بطور آرامی توقف خواهند نمود تا آنکه از دولت مرکزی برای بعد اوامر برسد.

من با این پیشنهاد موافقت دارم و سعی می کنم که به این شرایط امر را فیصله دهم ولی برای فرستادن قسمتی از مستحفظین قنسولخانه به همراهی وی لازم است شما تصویب نمایید.

نمره - ۳۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر) -
 طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹]

شیراز

فرمانفرما مشغول بمبارده قسمت شرقی شهر که خانه قوام الملك در آنجا است می باشد.

نمره - ۳۴۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر) -
 طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹]

مطالب مشروحه ذیل مفاد پیغامی است که از وزیر امور خارجه رسیده:
 قشون دولتی که در فیروزکوه بودند تمام عساکر شاه مخلوع را که در سوادکوه بودند متفرق ساختند. شاه مخلوع از قره تپه نزدیک اشرف بواسطه کشتی به کمش تپه وارد شد. فقط راهی که برای استخلاص خود از دستگیری دارد این است که در خاک روسیه یا کشتی روس پناهنده گردد. هرگاه در هر يك از این دو محل پناه به او داده شود ماده دهم پروتکل نقض خواهد شد و نیز مخالف اعلان عدم مداخله خواهد بود. به موجب ماده دهم حق پناه دادن به بستیهای سابق مسلوب و در مورد شاه مخلوع این شرط به طریق اولی معمول می باشد. هرگاه در صورتی که شاه مخلوع دچار اشکالات

شود در خاک روسیه به او پناه داده شود و موقعی بدست آرد که آنجا را مرکز قرار داده شروع به تحریک و اغتشاش و خونریزی نماید که برای دولت ایران باعث مخارج و مصارف خانه خراب کن شده و برای اینکار او را دو دفعه از خاک ایران قهرأ خارج نموده اند اصول عدم مداخله بطور واضح نقض گردیده است.

دولت ایران بعلایل [به دلایل] مذکوره با کمال اعتماد از دولت روس استدعا می نماید که نگذارند شاه مخلوع خود را به خاک روسیه رساند و اگر اتفاقاً از تحت نظر مأمورین محلی روس خود را بگریزند او و همراهانش را دستگیر نموده و به دولت ایران تسلیم نمایند.

نمره - ۳۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ سپتامبر)
 طهران ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

راجع به تلگراف ۱۳ سپتامبر من - نظام السلطنه به کفیل قنسولگری اطلاع داده است که بیشتر مایل است قوام الملک در قنسولخانه بماند عوض آنکه به ایلات خود تسلیم گردد. چرا که او نمی تواند به اطمینانات قوام الملک اعتماد کند. بنابراین حالا چاره دیگر بنظر نمی رسد مگر آنکه او در قنسولخانه توقف نماید.

نمره - ۳۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ سپتامبر)
 طهران ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹]

راههای جنوبی - در جواب تلگراف ۴ سپتامبر شما افتخار دارم راپورت دهم که کلنل کاکس بطوری که ذیلا نگاشته می شود برای اقدامات ارائه طریق می کند و بنظر من اوضاع هرچ و مرج حالیه مستوجب چنین اقداماتی است که باعث بهبودی فوری امور خواهد گردید بدون آنکه مداخله لازم گردد.

نقشه ای که پیشنهاد شده بعلاوه رفع می کند احتمال وقوع نتایج و عواقب وخیمه را که مستلزم اشغال طرق جنوبی توسط عساکر انگلیسی خواهد بود.

آنچه ذیلا مذکور می گردد خلاصه پیشنهادات کلنل کاکس است:

یک صد نفر به عده مستحفظین سواره اصفهان و بوشهر و کرمان و بندرعباس اضافه شود - دویست نفر به عده مستحفظین شیراز اضافه گردد - در بم و بیس قنسولگری تأسیس شود، با دویست نفر مستحفظ - کلنل کاکس بعلاوه ارائه طریق می نماید که صاحب منصبان لایق باید برای این مستحفظین معین گردیده و آنها را

به دستجات پنجاه نفری تقسیم کرده و همراه قوافلی که گاه به گاه مالالتجاره تجار انگلیس را حمل می نمایند فرستاد و بایستی خوانین و ایلاتی را که در عرض راه سکونت دارند خبر داد که طول ناامنی راههای تجارتی ما را مجبور به این احتیاط کارینها نموده و ما امیدوار به همراهی آنها هستیم و هرگاه آنها ابراز خصومت نموده و یا دست از همراهی بکشند ترتیبات ما مفصل تر خواهد شد و همین که قوه ژاندارمری يك استعداد مؤثر کافی شد از عده مستحفظین کاسته خواهد شد.

نمره - ۳۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون وزارت خارجه ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹] از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع در بحر خزر می باشد و اگر موقعی بدست آورد مهیای پیاده شدن در هر يك از مراکز اغتشاش است. اگر این راپورت صحت داشته باشد تصور می کنیم دولت روس اقدامات لازمه نموده او را از سوء استعمال پناه گرفتن در تحت حمایت آن دولت منع خواهند نمود. شما باید از آن دولت تحقیق نمایید که آیا از محل اقامت حالیه محمدعلی خبری دارند؟

نمره - ۳۴۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ سپتامبر) سنت پترزبورغ ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۹] من امروز مسیو نراتوف را ملاقات نمودم و به موجب تعلیمات تلگرافی ۱۴ سپتامبر شما از وی تحقیقات نمودم.

جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که محمدعلی در هیچیک از کشتی های که با بیرق روس منظمأ در بحر خزر کار می کنند پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه به آنها دستورالعمل داده شود او را بپذیرند و یا آنکه بتواند با لباس مبدل خود را داخل آن کشتیها بنماید ولی برای دولت روس ممکن نخواهد بود شاه مخلوع را مانع شوند از اینکه در کشتی شخص دیگری سوار شده وارد خاک ایران گردد.

از تقریر مسیو نراتوف من دریافتم که اگر محمدعلی بتواند خود را به بادکوبه برساند دولت روس یقیناً وی را به دولت ایران تسلیم نخواهند کرد و جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که در چنین موردی نمی توان از بست اختیار نمودن او جلوگیری کرد.

من مسیو نراتوف را به اظهاریه خودمان در باب عدم مداخله و شرایط ماده دهم پروتکل متذکر ساختم. جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که دولت متبوعه او مایل ایفاء به تعهدات خود بوده و وعده داد که به آن ماده پروتکل که من به آن اشاره

نموده بودم رجوع نماید.

نمره - ۳۴۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]
دولت ایران به ما اطلاع داده‌اند که شاه مخلوع در کمش‌تپه است و می‌ترسند در
کشتی روسی پناهنده شود و اظهار امیدواری می‌کنند که پناه به او داده نشود. تحقیق
نمایید که آیا چنین اظهاری هم به دولت روس شده است و چه اقداماتی در مد نظر
دارند؟

نمره - ۳۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)
طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر من - کفیل قنصلگری تبریز راپورت می‌دهد که
شجاع‌الدوله به اردوی دولتی شبیخون زده يك توپ از آنها گرفته چند نفر را به اسیری
برد. جنگ هنوز دوام داشت.

نمره - ۳۴۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)
طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۳ سپتامبر من - کفیل قنصلگری شیراز راپورت می‌دهد که در
۱۳ سپتامبر بمبارده ظاهراً بعلت عدم مهمات جنگی موقوف شد و در نقاط نزدیک در
تمام شب جنگ در کار بوده و ظاهراً نتیجه قطعی از آن حاصل نگردید.

نمره - ۳۴۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)
طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۱ سپتامبر - ویس قنصل انگلیس راپورت می‌دهد که عساکر
سالارالدوله در ۱۴ سپتامبر سلطان‌آباد را قبضه نمودند بختیارینها بطرف قم بازگشته‌اند.
سالارالدوله به کرمانشاه تلگراف نموده که از راه سلطان‌آباد بطرف طهران حرکت
خواهد کرد.

نمره - ۳۴۹

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ سپتامبر)

سفیر ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانیده و افتخار دارد ترجمه تلگرافی که از دولت متبوعه اش در باب اقدامات آژانس قنصل روس در بندر جز رسیده لفا ایفاد دارد. سفیر ایران تعلیم دارد که جلب توجه سر ادوارد گری را به نقض شدن استقلال و تمامیت ایران بنماید. میرزا مهدیخان از صمیم قلب امیدوار است که وزیر امور خارجه اقداماتی که اصلح می دانند برای جلوگیری از اینگونه اعمال که توضیح نشدنی است و نتیجه آنها فقط مغشوش نمودن مملکت است بنمایند. بندر جز تا کمش تپه که شاه مخلوع به آنجا فرار نموده فاصله بسیار کمی دارد.

خیلی اسباب تأسف است که در موقعی که خیلی لازم بود سرحددار در بندر جز بوده و مواظب آنجاها باشد او را به اینطور جبراً از آنجا خارج نمایند.

نمی توان این مسئله را انکار نمود که بایستی جبران این اعمال شده و توضیح کاملی به دولت ایران داده شود.

سفارت ایران لندن ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]

ملفوفی نمره ۳۴۹

تلگراف وزیر امور خارجه ایران به میرزا مهدیخان

آژانس قنصلگری روس مقیم بندر جز به معاونت بعضی از قزاقان، سرحددار بندر جز را دستگیر نموده و او را به استرآباد فرستاده است. بعلاوه شائزده سرباز را به بندر جز فرستاده اند و بعضی از تجار معتبر را که رئیس اداره تومانیانس هم جزو آنها بوده دستگیر کرده آنها را به کشتی جنگی روس برده اند. من برای این اقدام از سفیر روس استیضاح خواسته ام. آژانس قنصلگری فوق الذکر بایستی از مقامش معزول گردد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۵۰

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ سپتامبر)

سفیر ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانیده و افتخار دارد توجه جناب معظم الیه [= معظم له] را به مذاکرات روز ۱۳ و ۱۵ شهر جاری که در باب فرار شاه مخلوع به کمش تپه با آن جناب نموده و صحبتی که با سر ارتر نیکلسن داشته است جلب نماید.

میرزا مهدیخان نمی خواهد برای آن جناب در خصوص اهمیت زیادی که دولت متبوعه او به این مسئله می دهند شکی باقی گذارد. در موقع ملاقاتهای خود در وزارت خارجه او عقاید دولت متبوعه خود را مفصلاً بیان نموده است و الحال می خواهد در خصوص بعضی نکات تأکید نماید.

دولت ایران بهیچ وجه من الوجوه تصور نمی نمایند که در این موقع دولت روس بگذارند شاه مخلوع در خاک آنها داخل شود. اگر بگذارند داخل شود یا آنکه او را در کشتی روسی پناه دهند این اقدام اولاً پروتکل ۱۹۰۹ را نقض خواهد نمود و ثانیاً برخلاف اطمیناناتی خواهد بود که دولتین بریطانیای عظمی و روس داده اند (در جواب پروتستهای دولت ایران زمانی که محمدعلی میرزا به ایران مراجعت نمود) که چون شاه مخلوع برخلاف شرایط پروتکل ۱۹۰۹ وارد ایران شده دولتین از او محافظت نخواهند نمود.

پس از این وقایع که تاکنون رخ داده است اگر به شاه مخلوع در خاک روسیه یا کشتی روسی پناه داده شود باعث تولید اثرات بسیار بد در ایران خواهد بود، بعلاوه این کار اسباب تشویق یاغیان دولت شده و موجب تضعیف حکومت مرکزی خواهد گردید و شاه مخلوع را قادر می سازد که انتریگهای خود را از سر گرفته به اطمینان اینکه هرگاه کار بر او سخت شود در روسیه می تواند ملجای حاصل نماید همه گونه اقدامی بر ضد دولت ایران خواهد کرد.

سفارت ایران لندن ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]

نمره - ۳۵۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)

طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۹]

دولت ایران دوباره نظام السلطنه را احضار نموده اند. ظاهراً اکنون کسی از طرف دولت در شیراز نیست زیرا که کارگذار [= کارگزار] در جواب [خواهش] کفیل قنسولگری برای محافظت خانه های اروپاییان جواب داده است که نظام السلطنه از دخالت در امور شیراز امتناع نموده و کسی که به نیابت ایالت تعیین شده است که تا زمان ورود فرمانفرمای جدید امورات به عهده وی باشد ظاهراً از شهر خارج شده و خود کارگذار [= کارگزار] هم نمی تواند با ایلات مراوده و مکاتبه نماید. من از دولت ایران درخواست نموده ام که به فوریت اعلام نمایند مأمور دولتی که مسئول انتظامات محلی آنجا باشد کی است که کفیل قنسولگری بتواند با او در این باب مذاکره نماید.

کفیل قنسولگری راپورت می دهد که اوضاع بسیار اسباب اضطراب است و اخراج فوری صولت الدوله رئیس ایل قشقایی را توصیه می نماید.

من حاضر نیستم این طریقه را توصیه نمایم چرا که دولت ایران با صدراعظم بختیاری حالیه هرگاه خود را مقتدر می دانستند به میل خود این کار را می کردند.

در این موقع باریک من اصلح چنان می دانم که از هرگونه نصیحتی به دولت ایران در باب منازعات فارس احتراز نمایم.

نمره - ۳۵۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)
 طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۹]
 چنان ظاهر می گردد که سالارالدوله حالیه خود را پادشاه قلمداد می نماید و تلگرافاتی
 به کابینه و مجلس مخایره نموده خود را اعلیحضرت ما خطاب نموده است و خبر داده
 است که تا سه روز دیگر به قم وارد خواهد شد.

نمره - ۳۵۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)
 طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۹]
 کفیل قنسولگری شیراز امروز راپورت می دهد که صولت الدوله با قریب هزار نفر
 به باغی که یک میل از قنسولخانه فاصله دارد وارد شده است. همراهان او به یکی از
 نوکران قنسولخانه حمله نموده و او را زده اند. یکی از بستگان صولت الدوله نایب الایاله
 را جبراً برده است. کفیل قنسولگری اظهار می دارد که هر گاه دولت ایران یا خود ما
 صولت الدوله را ترغیب به ترك این حدود ننماییم اوضاع که حالا آنقدر اسباب
 اضطراب می باشد بزودی بدتر خواهد شد. درخاتمه تلگراف او مطلب ذیل مندرج است:
 حالیه دو ماه و نیم است بواسطه هرج و مرج کلی بر منافع ما خسارات بسیار زیاد
 وارد آمده و کار حالا به یک نقطه ای رسیده است که از آنجایی که نماینده دولت متبوعه
 خود می باشم باید اعتراف نمایم که فعلاً مأمور دولتی در شیراز نیست که بتواند برای
 حفظ جان و مال اتباع انگلیس اقداماتی بنماید. با این وضع امور غیر قابل تحمل من
 راه چاره دیگری بنظرم نمی رسد مگر آنکه به صولت الدوله بنویسم که هرگاه خود و
 همراهانش از حدود شهر خارج نمی شوند و دولت ایران را نمی گذارند برای اعاده
 انتظاماتی که مناسب می دانند آزاد باشد دولت اعلیحضرتی فوراً اقدامات برای حفظ
 منافع ما خواهند کرد.

من به طریق ذیل به او جواب داده ام:

شما باید به صولت الدوله اطلاع دهید که حضور او با ایلاتش در شیراز فقط اسباب
 اغتشاش می شود و هرگاه هرگونه صدمه به جان و مال اتباع انگلیس مداخله را لازم
 بدارد عواقب آن برای خود او وخیم خواهد بود.

نمره - ۳۵۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ سپتامبر)
 طهران ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۶ رمضان ۱۳۲۹]
 سالارالدوله با استعدادی که به چهار هزار نفر تقریباً تخمین شده حالا در نوبران
 است. ظاهراً قصدش این است که از راه ساوه بسمت طهران برود.

نمره - ۳۵۵

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ سپتامبر)

سنت پترزبورگ ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۶ رمضان ۱۳۲۹]
 من بر وفق تعلیمات تلگرافی ۱۶ سپتامبر شما از مسیو نراتف تحقیق مطالب را
 نمودم و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار می‌دارند که دولت ایران در باب
 مسئله پناه دادن به محمدعلی با دولت روس مذاکره نموده‌اند و دولت مشارالیهها جواب
 داده‌اند که محتمل نیست شاه مخلوع نزد روسها پناهنده شود چرا که در کمشتپه یا
 نزدیک آن قنسولخانه روس نیست ولی هرگاه او بست اختیار کند آنها نمی‌توانند از
 او ممانعت نمایند. مسیو نراتف بعلاوه اظهار داشت که فقط قنسولخانه روس که
 محمدعلی بتواند بطور امکان در آنجا پناهنده شود قنسولخانه استرپاد می‌باشد.
 من اشعار نمودم که هرگاه شاه مخلوع بتواند خود را به خاک روسیه برساند یحتمل آنجا
 که می‌رسد به هیچ وجه دیگر پول نداشته باشد و سؤال نمودم آیا دولت روس در آن
 صورت چه خواهند کرد؟ مسیو نراتف در جواب گفت هر وقتی که این طوریکه تصور
 می‌کنید واقع شود مسئله مزبور در تحت ملاحظه خواهد آمد.

نمره - ۳۵۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ سپتامبر)

طهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]
 مجلس استخدام هفت نفر صاحب‌منصبان سوئدی را برای ژاندارمری و نظمیه تصویب
 نموده است.

نمره - ۳۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارتخارجه ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]
 رویه عملی را که نسبت به امور فارس اتخاذ نموده‌اید چنانچه در تلگراف ۱۹
 سپتامبر خود اطلاع داده‌اید تصویب می‌کنم.

نمره - ۳۵۸

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوپرن

وزارت خارج ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]
 در باب مسئله شاه مخلوع که موضوع تلگراف دیروز سر جارج بیوکانون و تلگراف
 ۱۸ سپتامبر سر جارج بارکلی می‌باشد شما باید تحقیق نمایید که آیا در صورتی که

آن اعلیحضرت در صدد تحصیل پناهگاه در روسیه شود دولت روس حاضر خواهند بود که به دولت ایران اطمینان دهند که محض جلوگیری از چنین اقدام جدیدی بطور وقت مواظب او خواهند بود یا آنکه او را در خاک بیطرفی که تا سرحد خاک ایران مسافتی داشته باشد محبوس خواهند نمود؟

نمره - ۳۵۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر شما - شیراز
پیغامی را که شما توسط کفیل قنصلگری برای صولتالدوله فرستاده‌اید ظاهراً برای حالیه کافی است.

نمره - ۳۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ سپتامبر)
طهران ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل از کفیل قنصلگری شیراز رسیده است:
صولتالدوله اعلانی منتشر نموده مشعر بر اینکه برای تقویت نظام السلطنه و اعاده انتظامات و تنبیه اعراب به شیراز آمده و بزودی بر آنها حمله خواهد نمود و هرگاه هر یک از صاحبان خانه‌ها که قشقاییها بخواهند از خانه‌اش عبور نمایند در برای آنها باز نکند قشقاییها جبراً داخل آنجا شده و صاحبخانه خود مسئول اغتشاشی که بعلت آن بوقوع برسد خواهد بود.
گمان نمی‌کنم برای علاج اوضاع معلومه حاضره چاره‌ای جز برطرف نمودن صولتالدوله بنظر برسد و اگر این کار فوراً به انجام نرسد بحران شدیدتر خواهد شد.
تخمین خسارات عظیمه که بواسطه غارت عمومی بازارها وارد خواهد آمد اشکال دارد چرا که گذشته از آنکه مقداری زیاد مالالتجاره انگلیسی در اینجا جمع شده است ما نمی‌توانیم این مسئله را از دید نظر خارج نماییم که هر خسارتی که به تجار محلی وارد آید صدمه آن مستقیماً به تجار خودمان که مالالتجاره به تجار محلی می‌فروشند خواهد خورد و هر روزی که قشقاییها اینجا بمانند وقوع چنین اتفاقی هایلتر خواهد بود.
کارگذار [= کارگزار] قشون محلی برای حفظ اتباع انگلیس تعیین نموده است و چون غیر از اینها مستحفظی بدست نمی‌آید باید قبولشان نمود.
این دوره‌گردهای گرسنه بکلی بی‌فایده می‌باشند و بهیچوجه با ایلیاتیها مقابله نتوانند نمود حتی اگر خودشان سرمشق غارتگری برای دیگران نشوند.

بنابراین بعقیده من اگر نمی‌شود قشقایبها را به این زودی از اینجا خارج نمود
 بر ما است که مستقیماً اقدام برای حفظ منافع خود بنماییم چرا که تا زمانی که اینجا
 توقف دارند امکان ندارد هیچیک از مأمورین ایرانی بتوانند اقدام مؤثری بنمایند.
 اگر فهمیدم که هرگاه دولت ایران به صولت‌الدوله امر بدهند از شیراز خارج شود
 او اطاعت می‌نماید من حتماً دولت ایران را به این کار نصیحت خواهم نمود ولی یقیناً
 او اوامر دولت را نخواهد شناخت و بنابراین عقیده من هنوز این است که بگذاریم
 امورات در مجرای خود جریان نمایند مگر آنکه چنانچه در آخر تلگراف ۱۹ سپتامبر خود
 ارائه طریق نمودم به من اجازه داده شود که او را تهدید بنمایم و تقاضای اخراج او
 ما را با مسئولیتهای غیرمطلوبه تحمیل خواهد نمود اگر دولت ایران به این مطلب
 رضا دهند و شك دارد از اینکه چنین اقدامی باعث رفع بحران حالیه گردد.
 بایستی مذکور دارم که کمپانی دیگر چهار ماه قبل از این به من اطلاع داد (اگر
 درست به خاطرم بیاید) که معادل ۴۰،۰۰۰ لیرا مال‌التجاره آن در شیراز جمع شده و
 منتظر حمل به اصفهان می‌باشد.

نمره - ۳۶۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ سپتامبر)
 سنت پترزبورگ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹]
 شاه مخلوع - راجع به تلگراف ۲۱ سپتامبر شما - مسیو نراتف امروز به من گفت
 که نمی‌گذارند محمدعلی در یکی از ایالات و ولایات سرحد توقف نماید در صورتی که
 به خاک روسیه فرار کند. او در ادسا خانه‌ای دارد و مسیو نراتف تصور می‌کند او
 یحتمل به آن شهر مراجعت نماید. اگر این کار را بکند احتیاطهای لازمه بعمل آمده و
 او بکلی در تحت مواظبت و مراقبت خواهد بود و برای دولت روس امکان ندارد
 ضمانت نمایند که اقدام حالیه او تجدید و تکرار نخواهد شد.
 اگر از آنجایی که شاه مخلوع در مراجعت به ایران یقین کامل داشت که اهالی هر
 نقطه او را با کمال ذوق و شوق خواهند پذیرفت و عکس آن برای او واقع شده است
 فریبی که خورده است برای او واضح و آشکار گردیده و اقدام آن اعلیحضرت برای
 او سرمشقی بوده. مسیو نراتف اظهار داشت یقین است او اقدام خود را تجدید نخواهد
 نمود.
 در جواب سؤال من از مسیو نراتف که آیا حاضر است به همان قسمی که با من
 صحبت داشته است به دولت ایران اطمینان دهد جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] جواب داد
 با نهایت میل حاضر است این کار را بکند.

نمره - ۳۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ سپتامبر)
 طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۲۵ اوت من:

حرکات شاه مخلوع - نایب حسین در کار حمله به کاشان است.

نمره - ۳۶۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ سپتامبر)
 طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۹]
 از قرار راپورتی که داده شده قسمتی از قشون سالارالدوله ساوه را اشغال نموده‌اند
 و قسمت معظم قشون وی در نزدیکی زرند که قریب پنجاه میل تا طهران مسافت دارد
 می‌باشند.

نمره - ۳۶۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ سپتامبر)
 طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱ مهر ۱۲۹۰؛ ۳۰ رمضان ۱۳۲۹]
 راههای جنوبی - راجع به تلگراف ۱۴ سپتامبر من: راههای جنوبی را بنمایند من ارائه
 در صورتی که دولت اعلیحضرتی تصمیم قبول نقشه پیشنهادی را بنمایند من ارائه
 طریق می‌نمایم که وقت را نباید از دست داد که يك اظهاری در خصوص مقاصد ما
 در فارس بشود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۳۶۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
 طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
 آقا
 در تعقیب مراسله پنجم ماه گذشته من در باب مستر شوستر برای تعیین ماژور
 استوکس برای تشکیل ژاندارمری خزانه افتخار دارم لفاً نوشتجات ذیل را ایفاد دارم:
 (۱) سواد جوابیه دولت ایران را به مکتوبی که بر وفق تعلیمات تلگرافی غره اوت
 شما به آنها نوشتم.
 (۲) سواد یادداشتی که روز ۸ ماه گذشته بر وفق تعلیمات تلگرافی ۷ اوت شما به
 وزیر امور خارجه دادم.

- (۳) سواد جوابیه دولت ایران.
 (۴) سواد مراسله سفیر روس را که در تاریخ ۱۹ ماه گذشته فرستاده است.
 (۵) سواد مراسله‌ای که من در همان روز برحسب دستورالعمل تلگرافی ۱۸ اوت شما فرستادم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف ۱ نمره ۳۶۵

ترجمه مراسله دولت ایران

لازم است که مالیات هم در شمال و هم در جنوب ایران وصول شود و در نظر دولت ایران فرقی مابین این دو قسمت مملکت نیست.

اما در باب خدماتی که دولت ایران از ماژور استوکس انتظار دارند این صاحب‌منصب که از اشتغال ۱ در قشون انگلیس کناره‌گرفته و برای تشکیل ژاندارمری خزانه استخدام شده است دولت علیه قصد ندارند او را در اقدامات نظامی بکار وادارند.

۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹]

ملفوف ۲ نمره ۳۶۵

یادداشت سر جارج بارکلی به دولت ایران

به سر جارج بارکلی از طرف وزیر امور خارجه تعلیمات داده شده که دولت ایران را متنبه سازد که نباید در مسئله تعیین ماژور استوکس اصرار نمایند مگر آنکه نخواهند او را در شمال ایران بفرستند - اگر دولت ایران اصرار بنمایند دولت اعلیحضرتی حق روس را خواهند شناخت که هرگونه اقداماتی که برای حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بدانند بنمایند.

ملفوف ۳ نمره ۳۶۵

پیغام شفاهی دولت ایران

از یادداشتی که دولت اعلیحضرتی در تاریخ هشتم شهر جاری برای دولت ایران فرستاده‌اند معلوم می‌شود که در صورتی که دولت ایران اصرار به تعیین ماژور استوکس بنمایند و او را در تمام نقاط ایران بلااستثناء بکار وادارند یا بعضی عواقب غیرمطلوبه مقابل خواهند شد.

دولت علیه از آنجایی که نمی‌دانند نقطه نظر دولت انگلیس مبنی بر چیست و چنین قرار و مدار می‌بایست داده نشده - نمی‌توانند از وصول این یادداشت تعجب خود را اظهار نمایند.

حتی در صورتی که فرض شود دولت اعلیحضرتی بخواهند اعتراضات خود را مبنی بر شرایط معاهده ۳۱ اوت ۱۹۰۷ انگلیس و روس بدانند (که در موضوع آن دولت ایران بموجب مراسله ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ مشیرالدوله شرحی به جنابعالی نوشته و

وضعیت دولت ایران را نسبت به آن تشریح نمود) ممکن نیست در آن معاهده حتی يك کلمه هم پیدا کرد که مقوی مطالبی باشد که در یادداشت فوق الذکر مرقوم گشته. برعکس قسمت اول این معاهده که با عبارات صریحه مراعات استقلال و تمامیت ایران را مشهود می‌دارد به نظر می‌آید دلیل محکم دیگری است که نقطه نظر دولت علیه را تقویت می‌نماید.

در قسمت اول معاهده به علاوه مذکور است که دولتین انگلیس و روس بی‌اندازه مایل حفظ انتظامات و ترقی یا مسالمت ایران می‌باشند. این جمله را اگر تعبیر کنیم حامی مقاصد دولت علیه می‌باشد که می‌خواهند اقدامات برای وصول مالیات بنمایند چرا که بدون مالیات استقرار نظم در هر مملکتی کار بسیار مشکلی می‌باشد. وثوق الدوله بنابراین اطمینان دارد که دولت اعلیحضرتی صحت مطالب مذکوره فوق را خواهند شناخت و طوری وساطت خواهند نمود که این مسئله به مقتضای شئون دولت ایران و به مصالح منافع حیاتی آن دولت حل شود.

ملفوف چهار نمره ۳۶۵

مراسله سفیر روس به وزیر امور خارجه
در باب اظهاری که در روز ۱۶ ژوئیه امسال به وزیر امور خارجه نمودم، برحسب امر دولت متبوعه خود افتخار دارم که دولت ایران را مستحضر دارم که دولت امپراطوری روس نظر به جهاتی که برای دولت ایران توضیح نموده‌اند تصور می‌کنند که استخدام ماژور استوکس توسط دولت مشارالیهها برای سرکردگی استعداد مسلح موسوم به ژاندارمری برای وصول مالیات با منافع دولت روس مناسب نیست و من دستورالعمل دارم که بر ضد تعیین وی پروتست نمایم. اگر لازم شود دولت امپراطوری حق اعمال هرگونه اقداماتی که برای حفظ منافع خود در شمال ایران لازم دانند برای خود محفوظ خواهند داشت.

ملفوف پنج نمره ۳۶۵

مراسله سر جارج بارکلی به دولت ایران
سفارت اعلیحضرتی بریطانیای عظمی از طرف دولت متبوعه خود دستورالعمل دارد که اخطار ۸ شهر جاری خود را مشعر بر اینکه دولت ایران نبایستی در مسئله تعیین ماژور استوکس اصرار نمایند مگر آنکه او را در نقاط شمالی ایران بکار واندارند تکرار نماید که اگر دولت مشارالیهها اصرار نمایند دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت که هرگونه اقداماتی را که لازم بدانند برای حفظ منافع خویش در شمال ایران بنمایند.

در ضمن تذکر خاطر دولت ایران به مراسله مذکوره سفارت انگلیس بایستی به دولت ایران اصرار نماید که بجای ماژور استوکس تبعه یکی از دول صغار را تعیین نماید و اظهار نماید که دولت اعلیحضرتی نظر به اعتراضات بااساس دولت روس

بر ضد تعیین وی نمی‌توانند استعفای ماژور استوکس را قبول نمایند. [۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]

نمره - ۳۶۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر) طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹] آقا افتخار دارم خلاصه وقایع ماهیانه ایران را برای چهار هفته اخیر بطریق معمول ایفاد دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۶۶

خلاصه وقایع ماهیانه ایران از ۱۰ اوت لغایت ۴ سپتامبر [۱۸ مرداد تا ۱۲ شهریور؛ ۱۵ شعبان تا ۱۰ رمضان]

طهران

مأمورین اروپایی - در عرض چهار هفته اخیر مأمورین ذیل به طهران وارد شده‌اند:

کلنل یالمارسن (آلمانی) = گلدبراند؟

ماژور پیترسن (آلمانی) مسیو دمرنی

صاحب‌منصبان سوئدی مستخدم وزارت داخله مسیو پرنی

مستخدم وزارت عدلیه مستر مزیل (امریکایی)

اجزاء مستر شوستر منشی شخصی مستر شوستر مسیو بریوت (فرانسوی)

اقدامات نظامی - قشون دولتی که در ابتدای اوت در تحت سردار محیی از طهران حرکت نموده و معین‌همایون بختیاری با ۳۰۰ نفر به وی ملحق گردید رشیدالسلطان را

قریب ۹ اوت [۱۷ مرداد؛ ۱۴ شعبان] شکست داد. سردار ارشد که یکی از سرکردگان محمدعلی می‌باشد با استعدادی که تخمیناً به دو هزار یا سه هزار نفر می‌رسید از راه

مشهد از شاهرود بطرف دامغان و سلمنان و آرادان پیشقدمی نمود. قشون بختیاری در تحت امر ضیفم‌السلطنه در آرادان از او جلوگیری نموده قریب ۲۵ اوت [۲ شهریور؛ ۳۰ شعبان] شکست خورد. پس از آن امیر مجاهد بختیاری با قشون امدادی فوری فرستاده شد. سردار محتشم و سردار بهادر روز ۳۱ اوت [۸ شهریور؛ ۶ رمضان] با هزار و دویست نفر از خاک بختیاری وارد طهران شدند.

سردار بهادر با یفرم و قشون معظمی در ۳ شهر جاری حرکت نمود که با سردار ارشد مقابله نماید. در ۲۶ ماه گذشته عساکر دولتی يك دسته از عساکر طرفدار محمدعلی را در فیروزکوه شکست داده و عده‌ای به اسیری گرفتند و پنجاه و چهار نفر از آنها را تاکنون به طهران فرستاده‌اند. بعضی از اسبها و تفنگهایشان را هم قبضه نمودند.

مجلس

پروگرام کابینه متضمن تجدید نظر در قوانین اساسی و بهبودی مناسبات خارجی بود، در جزو دستور یومیه در جلسه ۲۶ اوت به مجلس عرضه گردید. همین که بواسطه اختلاف آراء رای گرفته شد پروگرام مزبور تصویب نگردید ولی تصمیم شد که آن را به يك کمیته مخصوص رجوع نمایند. این اقدام از طرف مجلس تقریباً اسباب برهم خوردن کابینه صمصام السلطنه گردید. وزیر امور خارجه و وزیر داخله استعفای خود را تقدیم نمودند. نایب السلطنه واسطه شد و نتیجه این شد که روز ۲ شهر جاری اکثریت اعضاء مجلس با جرح و تعدیل غیرقابل اهمیت، چند پروگرام مزبور را تصویب نمودند.

مطبوعات - روزنامه ایران نو دوباره توقیف شده است و استقلال ایران هم بواسطه عدم وجه دیگر به طبع نمی‌رسد. فقط روزنامه مهمی که فعلاً منتشر می‌شود مجلس است.

تبریز

صمدخان شجاع الدوله حاکم مراغه که در خلاصه وقایع ژون اشاره به وی نمودم اعلام نموده است که شاه مخلوع او را به ایالت آذربایجان منصوب نموده است. عین الدوله ایالت جدید را که دولت ایران تعیین نموده هنوز در طهران است و تهیه حرکت می‌بیند.

اوضاع ایالت از قرار معلوم بحال معمولی است.

رشت

سردار معتمد که یکی از ملاکین رشت است بجای یمین الممالک به حکومت گیلان در اوایل اوت تعیین گردید ولی مدت کمی بعد از آن عدم توانایی خود را در ادامه حکومت آنجا اظهار داشت.

اگرچه ورود شماع السلطنه و دیگران به منافع شاه مخلوع اشتهار دارد تاکنون حرکتی از جایی بروز نکرده و ولایت نسبتاً بحال آرامی و سکون باقی است.

قزوین

سردار همایون یکی دیگر از ملاکین شهر از حکومت قزوین استعفاء و به رشت مراجعت نموده است.

مشهد

اغتشاشاتی که در اواخر ژوئیت در مشهد واقع شده و در خلاصه ماهیانه راپورت آن را دادم باعث آن اداره نظمیّه بوده است که می‌خواسته است یکی از متولیان را که متهم به مغلطه‌کاری بوده است دستگیر نماید. ماژور سایکس می‌نویسد که هرگاه شورشیان دست بالا را بگیرند شکی نیست که خود را طرفدار شاه مخلوع اعلان خواهند نمود. او گمان می‌کند که اکثریت اهالی آنقدر از ظلم و تعدی ایرانیان جوان خسته شده‌اند که در صورتی که شاه مخلوع تخت سلطنت را دوباره تصرف نماید او را با کمال میل خواهند پذیرفت.

در ۲۵ ژوئیت تلگرافات از طرف شاه مخلوع برای مأمورین مختلفه مشهد رسید - این تلگرافات مشعر بر اظهار تأسف از اغتشاشات و اشکالات ایران و وعده عفو خطاهای گذشته و اظهار این مطلب بود که در آتیّه هر کسی از در مخاصمت داخل شود تنبیه سخت خواهد شد و نیز وعده استقرار مشروطیت و ایجاد مجلس سنا را هم داده بود.

از قراری که راپورت داده شده راهبهای معظم خراسان را سارقین اشغال نموده‌اند.

اصفهان

اوضاع اصفهان که حکومت آن با سردار اشجع بختیاری است تغییر نکرده است. شهر و ولایت بنوبی آرام بوده اگرچه از زیاده‌رویهای بختیاریها اهالی قدری شکایت داشتند. در ۱۶ اوت سردار محتشم و سردار بهادر با متجاوز از یکهزار نفر به شهر وارد شدند که بسمت طهران بروند و با جنرال قنسول اعلیحضرتی دید و بازدید نمودند. در راه طهران شنیدند که نایب‌حسین بطرف کاشان در حرکت است و سردارین مذکور از قم ۲۵۰ نفر از بختیاریها را در تحت امر ضیاءالسلطان و شهاب‌السلطنه فرستادند. در ۲۲ اوت نایب‌حسین اردستان را قبضه نموده و بطرف کاشان پیشقدمی نمود. در غره و دوم سپتامبر یک دسته از قشون بختیاری نایب‌حسین را اول درخالدآباد و سپس در خفر حمله نموده (در راه کالسکه‌رو نطنز مابین کاشان و اصفهان) و او را شکست داده چهل نفر از همراهانش را مقتول نمودند.

بختیاریها خصم را که در حال فرار بودند تعاقب نکردند چرا که خیلی مشغول بردن غارتی‌هایی بودند که او باقی گذارده بود.

یزد

در این ولایت تازگی چند فقره سرقت به وقوع رسید. در ۲۳ اوت سارقین به هفتاد نفر از زوار زده تمام متعلقات آنها را بردند. این سرقت در گذار جگند واقع گردید و هده سارقین ۱۸ نفر بودند.

قلیل‌مدتی بعد از مستر فن از اجزاء اداره تلگرافخانه را سارقین از راه بدر کرده و در خط اردکان اموال او را سرقت نمودند. سارقین مستر فن را تفتیش نموده و حتی

یا ته تفنگهای خود او را مضروب نمودند. سفیر اعلیحضرتی مکتوبی در این باب به دولت ایران نوشته است.

سیصد و پنجاه نفر از ایلات بهارلو و اینالو [= اینانلو] به دهات رفسنجان در اواخر اوت هجوم آورده و آنجا را غارت نموده معادل پنجاه هزار تومان اموال اهالی را بردند.

شیراز

اوضاع شیراز در ۲۱ اوت خیلی بدتر شد اگرچه اتصالاً مذاکرات صلح در میان بود. قشقایبها که عده زیادی از ایشان در شهر بودند خانه‌های مردم را غارت نموده و آشکارا غارتیهای خود را به عمارت دولتی می‌بردند. عده زیادی از آنها دور قنصلخانه اعلیحضرتی به کشیک مشغول گردیده و تیراندازی هم شبانه در کار بود. نواحی اطراف از همیشه مغشوش‌تر بود و رعایا را با کمال بیرحمی می‌چاپیدند. راه اصفهان مسدود و اگرچه راه شیراز مفتوح بود تجار اطمینان حمل مال التجاره خود را از آن راه نداشتند و تجارت بحالت سکون کامل باقی بود. در اواخر ماه اقدامات دیگر برای اصلاح مابین صولت‌الدوله و قوام که هنوز در قنصلخانه اعلیحضرتی توقف داشت بعمل آمد.

سیستان

قائنات بکلی آرام است ولی در سیستان حشمت‌الملک ایالت آنجا در اوایل اوت ظاهر می‌داشت که بسیار مشغول تهیات نظامی می‌باشند ولی مقصود او معلوم نبود. قنصل اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که تمام راههای دور سیستان در اوایل اوت ناامن بودند.

کرمان

شاهزاده امیراعظم ایالت جدیدالتعمین آنجا در ۱۲ اوت از طهران برای کرمان حرکت نمود. ایالت و شهر از قرار راپورت واصله آرام است اگرچه راهها کمافی‌السابق ناامن می‌باشد.

کرمانشاه

شاهزاده سالارالدوله در ۲۳ اوت از کرمانشاه حرکت کرده بطرف همدان به همراهی داودخان و سردار مظفر رئیس ایل کلهر رفت. عده قشون مخلوط از طوایف کلهر و سایر اکراد که همراه شاهزاده می‌باشند از قرار مذکور به ده هزار نفر می‌رسد. شاهزاده برادر کهتر خود عضدالسلطان را به حکومت کرمانشاه و مختشم‌الدوله را به نیابت وی معین نموده و فریدالملک را برای کارگذاری [= کارگزاری] آنجا قبول نمود.

لرستان و عراق

به امیر مفخم که از چند ماه به این طرف در لرستان بود به اعاده انتظامات آنجا موفق گردید، امر داده شد که با قشون بختیاری تحت امر خود یا سالارالدوله مقابله نماید. از قرار مذکور او دو هزار نفر با خود دارد و از خاک بختیاری هم قشون امدادی در تحت مرتضی قلی خان پسر صمصام السلطنه فرستاده شد و با سردار ظفر در اوایل اوت برای سلطان آباد که حکومت نشین عراق باشد حرکت کردند. مطیع بودن امیر مفخم و سرداد ظفر قدری مشکوک است. از قراری که مذکور است مرتضی قلی خان به ملایر رسیده ولی اطلاعات صحیحه از بابت حرکات وی فعلا در دست نیست.

بوشهر

موقرالذوله حاکم بوشهر مقام کلانتری را که سالیانه مبلغ پانزده هزار تومان به حکام بوشهر عاید می داشت موقوف داشته اظهار داشته است که چون این مبلغ در دفتر مالیاتی دولت ثبت نیست او صلاح نمی داند بدون اجازه دولت این طور اجحاف غیر مشروع را به مردم بنماید.

بندرعباس

یک دسته از بزرگ ایلان غارتگر بهارلو از قرار مذکور دو عراده توپ که قبضه نموده اند با خود دارند و در اواخر اوت به بندرعباس وارد شدند و از قراری که راپورت داده شده قصد هجوم به شهر را دارند. به کشتی اعلیحضرتی موسوم به پرسیس امر داده شده که به آنجا برود و بنا بود در ۳۱ اوت بدانجا رسیده و سی نفر به عده مستحفظین قنصلخانه آنجا اضافه نماید که در موقع لزوم جان و مال اتباع انگلیس و سایر دول خارجه را حفظ نماید.

نمره - ۳۶۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
 طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
 آقا

از زمان ارسال مکتوب ۹ ماه گذشته خود پیشرفتی در کشمکش حالیه که نتیجه قطعی از آن حاصل شود پیدا نشده. از جمله جنگهایی که مابین قشون دولتی و یاقیان واقع شده و راپورت های آنها داده شده است من فقط بعضی از آنها را که صحت آنها به تصدیق رسیده مخابره نموده ام و الحال ذیلا شرح آنها را تکرار می کنم:

قریب نهم ماه گذشته قشون دولتی در فیروزکوه مظفریت حاصل نموده و یکی از حامیان عمده شاه، رشید السلطان که چنانچه بخاطر داریم سال گذشته به امیر مکرم در طغیان وی در مازندران همراهی نمود در این جنگ مقتول گردید.

چند روز بعد از آن در ده نامه جنب راه مشهد مابین قشون ارشدالدوله و بختیاریها

در تحت امر ضیغم السلطنه جنگی واقع شده و ضیغم السلطنه مغلوب و ارشدالدوله وارد آرادان شد.

در ۲۲ ماه گذشته قشون سردار محیی به انضمام قشون بختیاری در تحت معین همایون از جمله ترکمنها و دیگران جلوگیری نموده تلفات زیادی به آنها وارد کرده ۵۴ نفر را اسیر و ۳۰۰ قبضه تفنگ و صد اسب از آنها گرفتند.

هفته گذشته هم ۳۰۰ نفر قشونی که یفرم تجهیز نموده و بیشتر آنها ارمنی بودند در بلده مازندران به يك دسته از قشون شاه که از قرار مذکور عده آنها هزار نفر بود شکست دادند.

اوضاع حالیه ظاهراً بقراری است که ذیلا مذکور می‌گردد:

شاه مخلوع در ناحیه سوادکوه است ولی راه پیشقدمی وی را بطرف پایتخت سردار محیی و معین همایون بختیاری در فیروزکوه مسدود نموده‌اند. از قرار مذکور خود اعلیحضرت در قلعه‌ای که بر روی کوه بنا شده و موسوم به قلعه دیو سفید می‌باشد توقف نموده است.

قشون ارشدالدوله که از راه مشهد به جلو می‌آمد از قرار راپورت واصله به مسافتی از جاده بطرف مغرب آرادان می‌باشد و مسافت از آنجا تا طهران زیاده بر ۴۵ میل نیست. پس از شکست خوردن ضیغم السلطنه امیر مجاهد برادر سردار اسعد به سرکردگی عده‌ای از بختیاریها فرستاده شد که ارشدالدوله را حمله نماید ولی او حالا تلگراف کرده است که قوه‌اش کافی نیست و عده قشون ارشدالدوله سه هزار نفر است و قشون او بالغ بر هزار نفر نمی‌باشد. سردار بهادر پسر سردار اسعد که مشروطیین به او و یفرم امیدواری کامل دارند و با کمال بی‌صبوری منتظر ورود او از خاک بختیاری می‌باشند الحال با ۱۲۰۰ نفر بختیاری به طهران ورود نموده و قرار شده که فوراً باتفاق یفرم برای الحاق به قشون ضیغم السلطنه و جنگ با ارشدالدوله حرکت نمایند.

قشون ارمنی در مازندران پس از مظفریت هفته گذشته در بلده به آمل ورود نموده‌اند و امیدواری چنان است که بتوانند به میسر شاه مخلوع در سوادکوه حمله نمایند.

از آذربایجان اخبار کمی در دست است. از قراری که راپورت داده شده شجاع الدوله حاکم مراغه قشون زیادی از شاهسونها و قراداغیها جمع‌آوری نموده است که برای محمدعلی جنگ کنند و محمدعلی او را به حکومت آذربایجان تعیین نموده است.

در طرف غرب سالارالدوله در ۲۳ ماه گذشته با نه عراده توپ و ده هزار نفر که اکثر آنها از اکراد جف [= جاف] و کلهر و سنجابی بودند از کرمانشاه حرکت نمود. قبل از حرکت برادر خود عضد السلطان را به حکومت کرمانشاه منصوب کرد و تلگرافی به مجلس مخابره نمود و چون قابل ملاحظه است سواد آنرا جوقاً ایفاد می‌دارم.

از قراری که راپورت داده شده او فعلاً در حوالی دولت‌آباد است و بایستی تا محل امیر مفخم که بالاخره به بروجرد رفته است مسافت کمی داشته باشد ولی مسئله اینکه

آیا امیرمفخم قصد مخالفت با سالارالدوله را دارد یا نه مشکوک است. وقتی که سالارالدوله از کرمانشاه حرکت نمود تصور می‌شد به همدان که همدستان وی آنجا را قبضه نموده بودند خواهد رفت ولی فعلاً بطرف جنوب حرکت نموده و دولت ایران ظاهراً مترصد این هستند که امیر مفخم به وی حمله نماید. اگر امیر مفخم او را مغلوب ننماید فعلاً فقط ۵۰۰ نفر بختیاری در تحت سردار ظفر در سلطان‌آباد مابین سالارالدوله و پایتخت می‌باشد ولی نمی‌توان باور نمود که قشون ایلیاتی او در صورتی که بخواهد به طرف طهران حرکت نماید از هم متفرق نخواهند شد. در حالتی که این را می‌نویسم دریافته‌ام که راپورتی از قنصل روس مقیم کرمانشاه برای همکار روسی من رسیده مشعر بر اینکه از زمان حرکت امیر مفخم از بروجرد الوار خود را حامی سالارالدوله اعلان نموده و او هم سردار اکرم پدر زن خود را که رئیس الوار است به حکومت لرستان منصوب نموده است.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرة ۱۳۶۷

ترجمه تلگراف سالارالدوله به مجلس

مجلس محترم - من از کردستان به شما تلگراف نمودم جوابی نفرستادید. عوض اینکه تلگراف مزبور را درك نموده و اوضاع مملکت را در تحت ملاحظه آورید و به علاج امراض آن پردازید نقشه قتل مرا کشیده و برای قتل من انعام می‌دهید. من برای کشته شدن در این مملکت آمده‌ام و شما نمی‌فهمید که ایرانیان خداترس متدین محبت و مهربانی ۱۵۰ ساله قاجاریه را مخصوصاً پسران مظفرالدین‌شاه مرحوم را فراموش نخواهند نمود و بنابراین هیچ‌نوع مقاصد شیرانه در دل نخواهند پرورانید. ایرانیان برادران و پسران شاه هستند و او ظل‌الله و از طرف حق تعالی بر آنها تعیین شده و گمان نمی‌کنم برخلاف همدیگر اقدامی بنمایند.

بله اجازه به هم‌جنسان خود برای قتل من داده‌اید مطلبی نیست دعاهای سی‌کرور ایرانی حافظ ما است. آیا از قتل من امراض مملکت معالجه می‌شود؟ وظیفه خداترسی شما این است که منازعات و جلب منافع شخصی خود را کنار گذارده و نقشه برای نفع مملکت و رعایای بیچاره آن بریزید. چنانچه در مجلس اول گوش به نصایح و اراده محمدعلی‌شاه نداده و وکلای آن زمان به منافع خود عمل نموده و دچار اشکالات گردیده تا دو سال تمام ایران منقلب و بسیاری مقتول و بی‌خانه شدند تا آنکه محمدعلی را معزول نمودند. پس از خلع وی تصور می‌شد که تمام نقایص مرفوع خواهد گردید ولی امروزه نه فقط اروپا و آسیا و امریکا شهادت می‌دهند بلکه شاید حتی وحشیهای افریقا هم انکار ننمایند که امورات صد مرتبه بدتر از سابق است. الحال مستقیم می‌نویسم چند نفر سوار بختیاری و مقداری اراذل [= اراذل] و اوباش طهران اعاده نظم در ایران نتوانند.

در این سه ماهه اخیر دو هزار نفر سوار بختیاری نتوانسته‌اند يك دسته از ایل
 ویرانه‌وند [= پیران‌وند] را در تحت انتظام آورند و بالاخره به پروچرد فرار
 نموده‌اند. بعلاوه خود بختیاریها می‌دانند که گرفتن طهران آنها بواسطه آن بود که ما
 همه از دست محمدعلی شاه ناراضی بودیم و گرنه ایران چنین چیزی را قبول نمی‌نمود.
 ای وکلای محترم قسم بخدا شما مسئول خونریزی بوده و خواهید بود آیا آخر الامر
 نتیجه چه خواهد بود؟ محمدعلی شاه همین روزها به طهران خواهد رسید من هم خواه
 باور کنید یا نکنید با سی هزار نفر از دروازه‌های کرمانشاه گرفته تا نوپران با قشون
 بر حرکت می‌باشیم - در آذربایجان شاهسونها و در گروس شجاع الدوله با سه هزار
 سوار و همانقدر پیاده حرکت کرده‌اند و به آنها امر داده شده است از راه زنجان
 بطرف طهران حرکت نمایند. ملاحظه نمایید این جمعیت و سوارها تا طهران چقدر
 خرابیها خواهند رسانید و بر اهالی چه‌ها واقع خواهد شد. قدری برای حال مردمی که
 در راه منافع شما تقدیه^۱ جان می‌نمایند غصه بخورید.

قسم بخدا نفعی از اینکار نخواهید برد به حرفهای مزخرف شرارت‌کاران گوش
 ندهید. تدبیری بنمایید که ایران را از این اوضاع خرابی و ویرانی رهایی دهید.
 بگذارید مملکت يك شاه و يك مجلس و يك طرز حکومت صحیحی داشته باشد. از رفتار
 شما فایده‌ای حاصل نخواهد شد، امورات تا ده روز دیگر بدتر خواهد شد. اگر اینطور
 بماند کار به انتهای خواهد کشید. خداوند مملکت تاج و تخت را تصرف نموده و حال
 ملك و مجلس را اصلاح خواهد نمود. خوب است توسط شما اینکار به انجام رسد و
 این قشون که ده روز است مشغول حرکت می‌باشد به خانه‌های خود معاودت نمایند.
 تمام ایران مال من نیست. از خود گمرکات یا بانک ندارم که اتصالاً وجه مخارج
 این قشون را تحصیل نمایم. مخارج این قشون بر اهالی تحصیل خواهد شد چرا
 می‌خواهید این فقراء در صدمه و اذیت باشند؟ اگر می‌خواهید به تلگراف‌خانه آمده و من
 با شما مذاکره خواهم نمود و با يك هزار یا دو هزار سوار نزد محمدعلی‌شاه رفته و
 امور را به طریق دلخواه ترتیب خواهم داد. شاه قسم خورده است که نسبت به ایران
 اظهار مهربانی پدران بنماید و پس از آنکه به پایتخت رسید اینطور عمل خواهد کرد.
 اگر جوابی از شما نرسد معلوم می‌شود که حرف مرا قبول ندارید شما در خیال هستید
 کسی را به قصد کشتن من بفرستید یا آنکه شجاع‌السلطنه یا سردار محیی را تعیین
 نمایید با من بجنگند. خدا می‌داند اینکار حقه‌بازی شما است و باعث اضمحلال ایران
 خواهد گشت. چرا شما بر ضد اراده و نقشه خدا کار می‌کنید؟ آنچه می‌نویسم از صمیم
 قلب است اگر دشمنی را کنار بگذارید بر تمام شما حقانیت مطالب من مکشوف خواهد
 گشت.

بنابراین این تلگراف را برای تجربه مخابره نموده و سواد آن را برای قنسولهای
 کرمانشاه فرستاده‌ام. اگر امروز صبح از طرف شما جوابی نرسد فردا صبح حرکت

خواهم کرد. حال بسته به اختیار شما است.
میل من این است که مطبوعات دنیا این تلگراف را ملاحظه نموده و بدانند که من
باعث خونریزی نشده‌ام و شما سبب آن بوده‌اید. سواد دیگری هم نزد علمای کربلاء
فرستاده‌ام.

امضاء سالارالدوله قاجار

نمره - ۳۶۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰: ۱۱ رمضان ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم ترجمه اخطاریه نایب‌السلطنه را به مجلس که در تلگراف ۱۳ ماه
گذشته خود راپورت دادم که روز دوازدهم قرائت و باتفاق آراء تصویب گردید لفا
ایفاد دارم. من نیز ترجمه پروگرام کابینه را که در اخطاریه نایب‌السلطنه اشاره بدان
شده بود لفا ایفاد دارم.

این پروگرام بتا بود در ۲۶ اوت به مجلس عرضه گردد ولی همین که رئیس مجلس
اعلام نمود می‌خواهد آن را جزو دستور آن روز قرار داده و طرفداران آن را خواهش
به قیام نمود فقط دو نفر از وکلاء قیام نمودند. رئیس مجلس اهمیت تقویت کابینه
را تأکید نموده و دوباره رأی گرفت و مثل سابق رد شد.

البته این مسئله خیلی اسباب رنجش کابینه شد و صدراعظم تهدید به استعفاء
نمود و گمان می‌کنم وزیر امور خارجه و وزیر داخله استعفای خود را تقدیم نمودند
ولی روز بعد عده‌ای از وکلاء صدراعظم را ملاقات نموده و به او اصرار نمودند به
مقام خود باقی باشد و وعده دادند ترتیب کار را بدهند.

در ۲۸ ماه گذشته نایب‌السلطنه وکلای معتبر مجلس را به قصر سلطنتی احضار
نموده و نطق سختی برای آنها ایراد نمود و نتیجه این شد که پروگرام مذکور مجدداً
به مجلس عرضه گردیده در دوم ماه جاری به اکثریت آراء تصویب گردید.

در باب ماده اول ممکن است مذکور دارم که مجلس قانون جدیدی برای انتخابات
تدوین نموده به موجب آن انتخابات در عوض دو درجه بطور مستقیم بعمل خواهد آمد.
قبل از اینکه قانون جدید در مجلس تصویب شود به مجلس مشاوره‌ای که وزراء و
سایر اعیان در آن عضویت خواهند داشت رجوع خواهد شد.

چنانچه ملاحظه می‌فرمایید به موجب ماده دوم پروگرام مذکور به وکلای مجلس
جدید از طرف ملت حق اصلاح قوانین اساسی داده خواهد شد.

تاکنون از این مسئله غالباً شکایت کرده‌اند که قوانین اساسی که در سال ۱۹۰۶ و
۱۹۰۷ تدوین شده و مخصوصاً در تدوین آن تضعیف شاه در مد نظر بوده از اقتدارات
سلطان مملکت بسیار کاسته و اقتدار کامل به مجلس داده‌است و سلطان حتی حق انفصال

مجلس را نداشته است. مواد سوم و چهارم و پنجم و نهم به طریق زیاده بر معمول مبنی بر تزئید اختیارات کابینه می باشد چنانچه به خاطر داریم اقتدارات کامله به کابینه سپهدار داده شد و در همین اواخر مجلس اعلان اجرای قانون نظامی را در طهران تصویب نمود. تاکنون علائمی از اعمال اقتدارات مذکوره مشهود نگردیده و خیلی قابل ملاحظه است ببینیم کابینه حاضره الحال که تقاضاهای دولت بیشتر از سابق بطور وضوح در پروگرام مذکور گردیده بیشتر از اسلاف خود اقتدارات مذکوره را اعمال خواهد نمود یا خیر.

ماده هشتم در پروگرام های سابق هم قید شده بود ولی حالا که مسیو پرنی فرانسوی را که دولت ایران استخدام نموده اند وزارت عدلیه را معاونت نماید وارد شده است شاید اقدامی برای علاج نقایص حزن انگیز اداره عدلیه در ایران بشود که هم اسباب یأس و نومیدی خارجیهای مقیم این مملکت و هم ایرانیان شده است.

ماده دهم مربوط به مناسبات خارجی است و مشعر بر میل کابینه است که طوری عمل نمایند که معاونت و اطمینان دول خارجه را جلب نمایند و بطور واضح تصریح نموده اند که همراهی و اطمینان بریطانیای عظمی و روس لازم می باشد تا اندازه ای که من می توانم تمیز بدهم وثوق الدوله ظاهراً از صمیم قلب مایل به انجام این پلتیک می باشد و شاید به همان اندازه که برای وزیر امور خارجه دیگری احتمال دارد برای او هم محتمل است تحصیل تقویت و حمایت مجلس را بنمایند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف ۱ نمره ۳۶۸

مرقومه نایب السلطنه به مجلس

مجلس شورای ملی

مشروحهای از هیئت وزراء عظام مبنی بر تصمیم خودشان در پلتیک خارجه و داخله به این جانب رسیده که دارای منتهادرجه اهمیت است و چنانکه به تفاریق ایام مکرر خاطر نمایندگان محترم را متذکر مسائل اساسی داشته ام اینجانب را با عقیده ای که اظهار داشته اند کمال موافقت حاصل است. در این موقع هم باز ایفای وظیفه خیرخواهی را واجب دیده مشروحه مزبور را فوراً به مجلس شورای ملی ارسال و توجه کامل نمایندگان محترم را به مندرجات آن جلب می نمایم و مخصوصاً درخواست دارم نصایح خیرخواهانه سابقه اینجانب را بخاطر آورند که در این مدت چه در باب پلتیک داخله و چه در باب پلتیک خارجه اظهار داشته و همیشه آرزومند بوده ام که این مقاصد حسنه اساسی بدست هیئت دولت جاری شده اهالی مملکت را از فواید مشروطیت کاملاً بهره ریب کند و متأسفانه صورت پذیر نشده اینک نتایج وخیمه بواسطه غفلت از مقتضیات حال مملکت به ظهور رسیده و مضرات و مخاطرات آن طوری محسوس است که حاجت به هیچگونه توضیح ندارد و البته تصدیق خواهند فرمود که در این حالت حالیه نه مجالی برای تسامح و غفلت باقی است و نه فرصت برای تحقیق علت غفلتهای سابق و فقط

آنچه در این موقع واجب است این است که هرچه زودتر نمایندگان محترم با موافقت وزرای عظام برای پلتیک داخله سبک و رویه‌ای اتخاذ نمایند که دوام حکومت مقتدره منصفه امکان‌پذیر بوده و بتواند مصالح حقیقی و فواید عموم را در نظر گرفته مقاصد ملت را به موقع اجراء بیاورد و البته فراموش نخواهند فرمود که در این مدت اختلافات و مداومت در نظریات و غفلت از عملیات قدرت دولت را طوری ضعیف نموده که غالب قوه اجرائیه یا دچار بحران بوده یا در زمان قلیل بقای خود هم قوه نداشته و بکلی از وظایف خود بازمانده و امر منتهی به حالت حالیه گردیده و دوام آن منتج مضرات و مخاطرات است و اگر هرچه زودتر از تجربه گذشته تنبیه حاصل نگردد و موافق مقتضای حال مملکت تغییری در سبک و رویه داده نشود بلاشک موجب ندامت کلی خواهد شد. هکذا در باب پلتیک خارجه که نهایت ارتباط را با پلتیک داخله دارد و تفکیک آن بهیچ وجه ممکن نیست، همینقدر اجمالاً خاطر نشان می‌کنم که باز برخلاف تمایح خیرخواهانه متوالی اینجانب رویه و سبکی که مناسب حال مملکت و مقتضیات حالت حالیه ما است اتخاذ نشده و در ازدیاد و تکمیل حسن مناسبات با دول متحابه اهمیاتی که لازم بوده به ظهور نرسیده و بعد از ورود اینجانب از حسن مساعدتی که از طرف دول متحابه اظهار شد و اینجانب تشکر آن را نمودم بطوری که سزاوار بوده استفاده به عمل نیامده بنابراین اکیداً زحمت می‌دهم که تدارک این غفلت و مراقبت در تکمیل حسن روابط و استقرار اعتماد در مراودات با دول متحابه نهایت اهمیت را دارد و چون مندرجات این مشروحه مبنی بر کلیات مسائل است البته وزرای عظام طرحی را که برای حصول این هر دو مقصود مهم در نظر گرفته‌اند به تفصیله به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهند نمود.

امیدوارم که نمایندگان محترم اهمیت موقع را در نظر گرفته در تدارک مافات جد وافی نمایند زیرا که پیشرفت امور هیچ مملکتی خصوصاً این مملکت در حالت حالیه بدون حسن روابط خارجه امکان‌پذیر نیست و اگر خدای نکرده از اهمیت موقع و اهمیت این مسائل که تاکنون به کرات خاطر نشان شده صرف نظر شود صریحاً اظهار می‌دارم که موقع این جانب نیز دچار نهایت اشکال شده و دیگر وجهاً من الوجوه مقدور نخواهد بود که شاهد این حال ناگوار مملکت باشم.

ملفوف دو نمره ۳۶۸

پروگرام وزراء

نظر به لزوم شرکت دولت در مذاکرات راجع به قانون انتخابات که بایستی در مجلس تصویب شود وزراء در محاسن و معایب آن مذاقه تامه نموده و مجلس را از نظریات قطعی خود مستحضر خواهند داشت.

(۲) از آنجایی که در قوانین اساسی که حالیه مجری است فرازی مبنی بر جرح و

تعدیل قوانین مذکوره شامل نیست و از آنجایی که از طرف دیگر دولت جرح و تعدیل آن را لازم می‌دانند قوه مجریه در موقع انتخابات جدیده اعلانی صادر خواهد نمود که در صورتی که ملت با دولت در این موضوع توافق حاصل نمایند اختیارات اعضاء جدیدالانتخاب آنها را مجاز می‌دارد قوانین اساسی را جرح و تعدیل نمایند برای آنکه دولت بتواند میل ملت را از این بابت دانسته باشد همین که دو ثلث تمام اعضاء جمع شدند دولت این عده را کافی خواهد دانست که صلاحیت جرح و تعدیل را به آنها اظهار نماید و در موضوع لزوم یا عدم لزوم جرح و تعدیل رأی مثبت یا منفی آنها قطع عمل را خواهد نمود. در صورتی که اکثریت دو ثلث تمام اعضاء که جمع شده‌اند جرح و تعدیل را تصویب نمایند مثل این است که ملت آن را تصویب نموده باشند و شروع به مذاکره در آن خواهد شد.

(۳) به ملاحظه آنکه بایستی اختیارات کافی به دولت داده شده و اقتداراتی که با مسئولیتهایی که بر خود گرفته مناسبت داشته باشد دارا باشد بطوری که بتواند منافع مملکت را در مد نظر داشته و در تزئید آنها بکوشد بهیچ وجه منالوجوه نباید در معرض مداخلات اشخاص یا هیئت‌های غیرمسئول واقع شود.

در صورتی که این قبیل مداخلات بدون اطلاع اولیاء امور صورت فعلیت حاصل نموده یا به شکل اخبار جعلی جلوه‌گر شود یا آنکه بطریق اجتماعات سری بعمل آمده و باعث مشتبه نمودن امر بعامة مردم یا بی‌اعتبار نمودن دولت شود دولت مختار خواهد بود که از اینگونه انتریگها جلوگیری نموده و مقصرین را تنبیه نماید.

(۴) دولت اقدامات فوری برای تزئید قوای حکومت مرکزی و ممانعت از عدم مرکزیت و هرج و مرج خواهد نمود. برای حصول این مقصود لازم است قوانین انجمنهای ایالتی و ولایتی بنا به صوابدید مستشاران اروپائی که در استخدام دولت هستند جرح و تعدیل شود و تا زمانی که این جرح و تعدیل بعمل نیامده و صورت قانونیت پیدا نکرده نظر به اینکه قوانین راجعه بتشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار انفصال آنها را به دولت نمی‌دهد دولت مختار خواهد بود که در صورت لزوم اعمال این اقدام را بنماید.

(۵) دولت مختار خواهد بود اشخاصی را که یا به واسطه آنکه شرح قوانین اساسی تاکنون نوشته نشده و یا بواسطه استخراج معانی متعدده از این قوانین استفاده نموده و انتظامات و امنیت عمومی را متزلزل نمایند و یا آنکه پای‌بند قوانین مبهم شده و باعث عدم پیشرفت اقدامات دولت شوند و یا آنکه در تعقیب منافع شخصی خود پای‌بندی به قوانین خارجه نمایند، در مورد مؤاخذه قرار دهد. دولت بایستی مختار باشد که از سوء استعمال قوانین که از سوء تعبیر آنها می‌شود جلوگیری نماید.

(۶) برای استقرار نظم و امنیت مملکت که از مقاصد مهم هر دولتی است ایجاد یک قوه کافی منظم و به همین‌طور تشکیل قوه ژاندارمری در تحت صاحب‌منصبان سوئدی لازم است. وظیفه دولت است که برای انجام این مقصود هرگونه اقداماتی که لازم است نموده و هر نقشه‌ای را که برای تسریع و تکمیل این اقدامات مفید می‌دانند بایستی

- به مجلس عرضه دارند تا تصویب گردد.
- (۷) دولت کم کردن و یا موقوف داشتن اداراتی را که من غیر لزوم از عدم تجربه ایجاد گردیده و برای احتیاجات حقیقی فایده ندارند پیشنهاد نموده و موقوف داشتن آنها را نظر به منافع اقتصادی و پیشرفت امور لازم می دانند.
- (۸) دولت مشغول تحقیق در مسئله اصلاح اساسی وزارت عدلیه می باشند و لایحه قانونی در این موضوع به مجلس عرضه خواهند داشت. تا زمانی که این لایحه صورت قانونیت پیدا ننموده به دولت باید اختیار داده شود که هرگونه اقدامی که مناسب دانند در مورد اداره عدلیه بنمایند.
- (۹) تا زمانی که قانون جزائی از مجرای قانونی نگذشته دولت باید اختیار کامل داشته باشد که برحسب مواد قانون موقتی که شورای وزراء آنرا تصویب نمایند از جنایات جلوگیری نماید.
- (۱۰) این مسئله واضح است که پلتیک داخلی هر مملکتی تا اندازه ای بسته و مربوط به پلتیک خارجی و مناسبات بین المللی آن می باشد و هرگاه یک طریقه و روش ساده و دوراندیشی اتخاذ نشود دولت حتی در پلتیک داخلی خود هم دچار اشکالات خواهد شد بنابراین دولت باید در مناسبات خود با دول متحابه و مخصوصاً با آنهایی که مناسباتش مهم تر می باشد پلتیکی اتخاذ نماید که همراهی و اطمینان آنها را جلب نماید. شرط اول پیشرفت این اقدامات دولت تقویت و قبولی عقاید عامه است.

نمره - ۳۶۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
 طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۹]
 آقا

در باب مراسله ۹ اوت من در خصوص اوضاع طرق جنوبی افتخار دارم راپورت دهم که جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان در ۵ اوت راپورت داد که اوضاع راه شیراز الی اصفهان به همانطور خوب نیست و پستی که به شیراز می رفته در معیار سارقین آنرا زده و چند روز قبل از این واقعه هم در همین جا سرقتی به وقوع رسید و پستی که از شیراز به اصفهان می آمده در محل دیگر سارقین به آن حمله نموده اند. مستر گریهم اظهار داشت که اگرچه دزدیهای اخیر جزئی بوده اند ولی اثری که بر قاطرداران باقی گذارده اند آنقدر اسباب بیم و وحشت آنها شده که گویی سرقتهای مهم واقع گردیده است.

یک قافله مرکب از ۱۵۰ حیوان که مدتی از حرکت آن به تأخیر افتاده و محمول مال التجاره برای کمپانی ذیقلر [= زیگلر] بودند در ۵ اوت از شیراز به اصفهان ورود نمود. اگرچه سارقین در راه متعرض آنها نشده بودند ولی قاطرداران از وجوهاتی که مستحفظین راه از آنها گرفته بودند شکایت داشتند.

اخبار ثانوی از مستر کریهم مورخه ۱۲ و ۱۹ ماه مشعر است بر اینکه سارقین راه شیراز را مابین اصفهان و قمشه اشغال نموده‌اند و قوافل محمول مالالتجاره انگلیسی به واسطه عدم مستحفظین (که بنا بر خواهش جنرال قنصل یك دسته از آنها فرستاده شدند) معطل مانده بودند. سایر قوافل از بیراهه راه سرحد به اصفهان وارد شدند.

اما در باب راه بوشهر الی شیراز عبور و مرور قوافل مابین کمارج و کازرون بعلت جنگ مابین کمارجی‌ها و قشقاییها در واقع موقوف شده است. اوضاع راه اصفهان الی طهران بدتر از همیشه بنظر می‌آید. علت عمده اغتشاش این راه حضور نایب‌حسین راهزن مشهور در حدود کاشان است که بختیاریهایی که از اصفهان حرکت کرده‌اند با او طرف می‌باشند.

عبور و مرور قوافل در راه اهواز هم موقوف می‌باشد و غارت کاروانسراها را تلگرافاً [= تلگرافی] بشما راپورت دادم. امیدواری هست که ترتیباتی که فعلاً برای حفظ قوافل داده شده که یا بواسطه مستحفظین اضافی از طرف خوانین بختیاری و یا بواسطه مسلح نمودن خود قاطرداران حفظ شوند اسباب بهبودی اوضاع این راه خواهد شد.

راپورتهای اخیر از طرف قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمان در خصوص اوضاع وحشت‌انگیز راه کرمان الی بندرعباس و سرقت‌هایی که در آنجا به وقوع رسیده است تلگرافاً [= تلگرافی] بشما اطلاع دادم.

مکتوبی از جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده راپورت می‌دهد که در عرض راههای تجارتي جنوب به انواع و اقسام راهها و اسمها از قبیل راهداری و غیره از مردم پول گرفته می‌شود. من مطالب را شفاهاً به اطلاع دولت ایران رسانیده‌ام و وعده اقدامات لازمه داده‌اند.

نباید این مطلب را در پرده بداریم که هم دولت مرکزی و هم مأمورین محلی فعلاً قدرتی ندارند که اینکار را اصلاح نمایند.

من از ارسال پروتست رسمی برای دولت ایران استنکاف نموده‌ام مبادا این‌طور تصور کنند که بغیر از مسئله راهداری ما از بابت اوضاع راههای تجارتي شکایت دیگری نداریم.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۷۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)

طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۳ سپتامبر من - نایب‌حسین کاشان را قبضه نموده است.

نمره - ۳۷۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر) طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]
وزیر امور خارجه مرا اطلاع می‌دهد که فرمانفرما به ایالت فارس تعیین شده و تا زمان ورود ایالت حکومت سپرده به یک کمیته محلی خواهد بود.
الحال کسی که صاحب قدرت باشد در شیراز نیست و علائمی از موافقت صولت‌الدوله و نظام‌السلطنه با تصمیم دولت مشهود نمی‌باشد.
مابین ایلیات هر روز مجادله واقع می‌شود و قشقاییها مرتکب هرگونه افعال تجاوزکارانه در شهر و حدود آن می‌شوند.
عده ایلیاتیهای قوام‌الملک و سایر همراهان مسلح او در شهر به دو هزار نفر می‌رسد. عده همراهان طرف مخالف هزار و سیصد نفر است.

نمره - ۳۷۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوپرن وزارت خارجه ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]
جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر ارائه طریق نموده است که در ضمن اقدامات دیگر، ما در بم و یس قنسولگری تأسیس و عده کافی مستحفظین در آنجا نگاه خواهیم داشت و مستحفظین سایر نقاط که اصفهان هم که جزو منطقه نفوذ روس است جزو آن باشد زیاد خواهد شد.
هر قدر زودتر ممکن است به دولت روس اطلاع دهید که این اقدامات ممکن است لازم باشد و امیدواریم دولت مشارالیهها اعتراضی بر افزایش مستحفظین اصفهان که برای پیشرفت نقشه لازم است نخواهند داشت.
روی هم‌رفته دویست نفر مستحفظین اضافی برای بم و شیراز و یکصد نفر برای سایر نقاط خواهد بود.
دولت اعلیحضرتی مایل می‌باشند از هرگونه تصرفات نظامی در ایالات و ولایات جنوبی که متضمن اعمال قشون زیاد باشد احتراز نمایند و اقدام فوق‌الذکر کمترین اقدامی است که بنمایند. فقط مقصود ما این است تجارت انگلیس را که خسارت زیاد بدان وارد آمده حفظ نماییم.

نمره - ۳۷۳

مکتوب سر ادوارد گری به مستر اوپرن وزارت خارجه ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]
آقا

در باب تلگراف امروز خود بایستی به شما اطلاع دهم که امروز به کنت بنکندرف

اظهار نمودم تاکنون از بابت توقیف مالالتجاره انگلیس در جنوب ایران شکایات بسیار رسیده دولت روس در نقاط شمالی ایران قشون فرستاده و راه‌های آنجا را مفتوح داشته‌اند و یحتمل تجارت روس منافی حاصل نمود که ما به واسطه مسدود بودن راه‌های تجارتهای جنوب از دست دادیم.

من با وجود این مایل به اعزام قوه نظامی به ایران نبودم. ما مثل دولت روس این کار را باسانی نمی‌توانستیم بکنیم قشون ما بایستی از راه دریا برود ولی من در خیال بودم بر عده مستحفظین قنصلخانه‌های جنوب بیفزاییم و این کار را هم در اصفهان که در منطقه نفوذ روس است به انجام رسانیم. من مشغول تلگراف نمودن به سنت پترزبورغ و توضیح موقع می‌باشم.

کنت بنکندر ف اظهار داشت تصور می‌کند ما در خیال هستیم بر عده مستحفظین موجوده در اصفهان اضافه نماییم و من اظهار داشتم بله همینطور است.

امضاء گری

نمره - ۳۷۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
 طهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۲۵ سپتامبر من:

نایب‌حسین ده نفر از قزاقان روسی را اسیر نموده و آنها را در کاشان توقیف نموده است و آنها را بطور گروی نگاه داشته است تا آنکه دولت ایران بعضی از تقاضاهای او را قبول نماید.

نمره - ۳۷۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
 طهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]

از چند روز به این طرف شهر یزد در تصرف شورشیان بوده چندین نفر از مأمورین در ویس قنصلگری بست اختیار نموده‌اند.

دولت ایران منتظر اقدامات ایالت جدید برای اعاده نظم در حین عبور خود از یزد می‌باشند.

نمره - ۳۷۶

تلگراف مستر اوبرن به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
 سنت پترزبورغ ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]

ایران - مسیو نراتوف امروز در ضمن صحبت اشاره به مسئله تعیین ماژور

استوکس نمود.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اشعار داشت که اعتراضات دولت متبوعه وی بر علیه [= علیه] تعیین استوکس برای تشکیل هر قسم قوه ژاندارمری در طهران طوری است که رفعش ممکن نمی‌باشد حتی اگر مدت تعیین وی هم قلیل باشد تعیین استوکس لزوماً فرماندهی موقتی عده زیادی را در خود مرکز به او خواهد داد.

در این ضمن من دریافتم که در صورتی که نقشه استخدام صاحب‌منصبان سوئدی برای تشکیل ژاندارمری به انجام رسد ممکن است دولت روس اعتراضی نخواهند داشت که استوکس يك قوه ژاندارمری در اصفهان یا در حوالی آنجا تشکیل دهد البته به شرط آنکه فرماندهی هر قسمتی از آن قوه که بایستی بسمت شمال ایران اعزام شود به صاحب‌منصبان ایرانی یا يك دولت بیطرفی واگذار شود. من حالا نمی‌توانم عقیده خود را در باب پیشرفت عملی چنین نقشه‌ای اظهار نمایم.

نمره - ۳۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)

طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]

شیراز - بانک محلی بنا به اجازه من از صولت‌الدوله درخواست نمود مستحفظ همراه نقدینه‌ای که در اصفهان جداً لازم داشتند بفرستد. صولت‌الدوله در جواب گفت که قبل از قبول اینکار بایستی صبر کرده ببیند اوضاع حاضره بر کیفیت راه چه اثری خواهد بخشید و علاوه بر این اظهار داشت که او کلیه مسئولیت راه بوشهر را از دوش خود برداشته.

کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد یکی از رؤسای قشقایی که تازه طغیان نموده راه مذکور را اشغال نموده است.

نمره - ۳۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)

طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]

گفتنان ویلسن پس از انجام مشاغل خود به شیراز رسیده. سارقین قشقایی در پل فسا آنچه داشته برده و با او بطور بد سلوک نموده‌اند. او يك شب آنجا توقیف بود و پس از رجوع به صولت‌الدوله او امر داد تمام متعلقات او را که برده شده بود مسترد گردد و تقریباً تمام آن مسترد شد و قشقاییها تا قنسولخانه همراه او آمدند. از قراری که مذکور می‌دارد در منزل آخری راه قشقاییها دهاتیان را باکمال بیرحمی غارت کرده و هرگونه زیاده‌رویها در حق آنها معمول می‌داشتند. من در باب جبران اینها با کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مشغول مشورت می‌باشم.

نمره - ۳۷۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)

طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]

کفیل قنصلگری شیراز را پورت می‌دهد که صولت‌الدوله فعلا با فرمانفرمای جدید در عمارت حکومتی هم‌منزل می‌باشند.

نمره - ۳۸۰

مکتوب سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان

وزارت خارجه ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]

آقا

در جواب مکتوب ۱۶ شهر جاری شما در خصوص دستگیری سرحددار در بندر جز، افتخار دارم شما را مستحضر بدارم که مأمور مذکور و همراهان او از قراری که سفیر روس مقیم طهران اطلاع داده به بعضی از اتباع روس حمله نموده و آنها را هارت نموده‌اند و مأمورین محلی استرآباد که آنها را برای تحقیق مطلب احضار نموده‌اند از حضور بهم‌رسانیدن در آنجا سر باز زده‌اند. آژانس قنصلگری روس برحسب امر قنصل روس مقیم استرآباد شخص مقصر را دستگیر و به مأمورین محلی استرآباد سپرده است. سفیر روس علاوه بر این اظهار می‌دارد که دسته سرحددار که از تجار معتبر نمی‌باشند به آشوراده فرستاده شده‌اند که در آنجا توقیف باشند تا تحقیق بعمل آید.

امضاء گری

نمره - ۳۸۱

مکتوب اداره خارجه هند به وزارت خارجه (واصله ۲۹ سپتامبر)

معاون وزیر هند به معاون وزیر امور خارجه سلام رسانیده و برای استحضار خاطر

جناب وزیر امور خارجه سواد تلگراف مورخه ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۱ فرمانفرمای هند را

راجع به تزئین مستحفظین قنصلخانه شیراز ایفاد می‌دارد.

اداره هند ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]

ملفوفی نمره ۳۸۱

تلگراف حکومت هند به مارکس اف کرو

۲۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۵ مهر ۱۲۹۰؛ ۴ شوال ۱۳۲۹]

تزئین مستحفظین قنصلخانه شیراز

تلگراف ۲۵ ماه گذشته خود را ملاحظه نمایید.

به قنصل مقیم بوشهر بر وفق تعلیمات شما دستورالعمل داده شد که در صورتیکه

يك دسته کوچکی بتوانند به امنیت حرکت کنند ترتیباتی داده شود که ۲۲ نفر دیگر همراه کلنل نوئل معاون دوم قنصلخانه به شیراز اعزام شوند. قونسل آنجا هنوز صلاح ندانسته است این دسته حرکت نمایند بعلمت ناامنی راه و اوضاع شیراز با این اوضاع ما بنا بر موافقت قنسل تصمیم نموده ایم که نصفه دسته هفتم را حیوتها در تحت صاحبمنصب انگلیسی به بوشهر بفرستیم که در حدوث موقع حاضر برای برقراری بجای مستحفظین شیراز باشند چرا که تمام مستحفظین شیراز در آخر ماه دیگر مدت خدمتشان سپری شده و بایستی آنها را از خدمت معاف نمود.

نمره - ۳۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ سپتامبر)
 طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]
 شیراز

صولت الدوله محل قوامیها را در ۲۷ سپتامبر بمبارده نمود - جنگ سختی در گرفت و از قرار معلوم صدمات زیادی به قشقاییها وارد آمد.

نمره - ۳۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ سپتامبر)
 طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]
 اوضاع شیراز - راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر من:

مستر ناکس راپورت می دهد که صولت الدوله در جواب انتباه نامه من اظهار مقاصد مسالمت آمیز و بستگی خود را به دولت اعلیحضرتی نمود و خواهش کرد که فیما بعد توسط کارگذار [= کارگزار] با او مراسله و مکاتبه شود.

به مستر ناکس اطلاع موثق رسیده است که صولت الدوله مراسله مرا بطور تحقیر پذیرفته است.

نمره - ۳۸۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ سپتامبر)
 طهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۷ مهر ۱۲۹۰؛ ۶ شوال ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۲۹ سپتامبر من:

کفیل قنصلگری راپورت می دهد که هزار و پانصد نفر بکمک دسته قوامیان آمده اند و تمام قشقاییها را از سنگرهای خود در خارج شیراز بیرون کرده و بعضی از محلات مستحکمه شهر آنها را هم قبضه نموده اند. صولت الدوله نزد قوام فرستاده است که قرار و مدار برای صلح بدهد.

خاتمة

چون در دیباچه کتاب سهواً نگارش رفته که جناب آقای تمدن‌الملک به ترجمه تمام این کتاب پرداخته‌اند لهذا محض استحضار خاطر محترم قارئین عظام عرض می‌شود که از صفحه یک الی صد و پنجاه و پنج ترجمه جناب مشارالیه و از آنجا تا آخر ترجمه اینجانب میرزا حسن‌خان اصفهانی است.

نظر بمعارف پروری و میل مخصوص حضرت مستطاب اشرف امجد آقای سردار اسعد دام اقباله‌العالی و مقصود عمده‌ای که برای بیداری حس ایرانیان و اینای وطن همیشه منظور نظر مقدس ایشان بوده و هست به طبع کتب آبی انگلیسی که اصح تواریخ دوره مشروطه آن مملکت است مجدانه اقدام و چند کتاب آنرا از طبع خارج فرموده اینک کتاب سیم را نیز به دستگیری جناب آقای حاجی میرزا علی صراف اصفهانی به حلیه طبع آراسته قیمت شش قران است طالبین به کتابخانه آلفا در خیابان لاله‌زار و تجارتخانه شخص حاج میرزا علی آقا و کتابخانه تربیت مراجعه فرمایند.